

حضرت عبدالمصعب

مجموعہ

مناجات

۲

## هو الابهى

رب ورجائي اسالك بيطرتك المحيطة المستوية على الكائنات ان

تصر عبادك في كل الجهات وتحيي قلوبهم بالنفحات وتنش انتم

بالنفحات وتقيم كأس الحيات وتحفظهم في فلك النجات انك

انت العزيز الوهاب ع ع

## هوانه

ای متذکره کراتی هیچ مسی نمی مگر آنکه باز بانی پر نیاز بدگاه خداوند بی انبار تصریح و نقل  
 میشود و هیچ شامی نیاید مگر آنکه در نهایت رقت باستان احدیت اتمال و اجراع میگردد  
 ای خداوند بی مانند مقدس از بیگانه و خویش پیوند دردمندان تویم درمانی  
 عنایت فرما مستندان تویم سر و سامانی مرحمت کن مد هوش عالم استیم  
 جوشی بده و بادده نوش بزم محتیم خروشی احسان کن گوشها مقررند ای  
 سر و ش برسان هوشها مترصد، الهام بفرما این بندگان ابوز  
 دین اقادگان ابردار گنه کاریم بیامرز افسردگانیم برافسوز پروردگام  
 بنا محبت بسوز تویی مطی و توانا و آشنا ع ع

## هوائے

ای موس یاران توجہ میان یزدان نما  
تعلیل ملکوت پنهان کن این شایعات نما  
ای دلبر کتای من آواره صحرایم  
دگر گشته بادیه سپا در ریت افغان و  
خیزان سرست پیمانه پیمان افتاده ام  
بیچاره ام دل داده ام شیدایم  
سودایم رسوایم ولی روی بسوی تو آرم  
دآرزوی کوی تو دارم و نه بخرانم  
پرحرام بی سر و سامانم بلف و عنایت  
شایانم ایسم مجیر شو افتاده ام  
دیگر  
شو عزیزم موس جان شو بی کسم  
معین دل و جان کرد از جهان جهانیان  
بیزار فرما و در پناه خویش منزل  
قرار بخش از مادون مستغنی کن  
و از عطای خویش بهره نصیب ده  
گناه بیامرز خطا پیش خود و خضران  
فسرما

زیرگننه کاریم بد قناریم در بحر عصیان مستقیم توئی محبوب مهربان و توئی  
 بخشنده گناهان ای پروردگار آقده شده ثابت و پایدارنا بی صبر و قرار کن  
 و همچون جلال پرانوارنا و مقنون آن زلف مشکبار فرماتا بیگانه و خوش فراموش  
 نمائیم و مانند دریا بجوش و خروش آئیم و از پیمان پیمان مست و مدبوش کردیم  
 توئی بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و آموزنده یاران ع ع

### هوائیه

ای خداوند آن نفوس پاک را تابناک کن و از حقیض خاک با علی درجه اعلا  
 رسان دلهار احدائق معانی کن و جانهار احنبت حمانی فرما بجنود طائ  
 آن جمع با و فارا مظهر و منصور کن بفضل موفور مخصوص فرما آیات توحید کن

و ریات تجید فرما در روز برترناید بیغزا ای یزدان آن جمع پریشان تو آید  
 و آن انجمن آشنا و خوشان تو بخشش بی پایان ایگان فرما و الطاف  
 پنهان اززان کن تا آنکه هر یک در این گلشن حقیقت گلشن بهستی گردند و هر  
 نفس نفس رحمانی ناشر نفوس طیبیه هدایت شود زبان بیان گشاید و لسان  
 بیرون مشغول نماید اقامت حجت قاطعه کنند و اوله ساطعه اثبات نمایند  
 در جنت اهی طبل معانی گردند و در انجمن اصلی سبب طرب و شادمانی شوند  
 تویی مقدر و عزیز و توانا و تویی حاکم و غالب و خداوند بهیما ع ع

هو الله

عبد الباقی بسواد بدگاه احدیت مجز و اقبال نماید که ای خداوند بهیما این صوم

پر شوق و دل را بر حمت بی پایان موفق فرما تا مواهب عالم انسانی گردند و مطلقاً  
 الطاف ربانی در گلستان هدایت کلهای سحر اوت گردند و در ریاض حقیقت  
 درختانی در نهایت لطافت ای خداوند بر خدمت خویش موفق فرما  
 و از یگانگی و خویش ستنی کن در هر دمی شنبلی فرست تا گلشن قلوب بسزویم  
 گردد و در ریاضین فیض عنایت برود ... ع ع

هوائه

اَللّهُمَّ يَا مُجِيبُ الدُّعَاءِ يَا رَافِعُ الدُّعَاءِ يَا مُعِزُّ الدُّعَاءِ يَا مُنِيعُ الدُّعَاءِ  
 اَللّهُمَّ يَا مُجِيبُ الدُّعَاءِ يَا رَافِعُ الدُّعَاءِ يَا مُعِزُّ الدُّعَاءِ يَا مُنِيعُ الدُّعَاءِ  
 اَللّهُمَّ يَا مُجِيبُ الدُّعَاءِ يَا رَافِعُ الدُّعَاءِ يَا مُعِزُّ الدُّعَاءِ يَا مُنِيعُ الدُّعَاءِ  
 اَللّهُمَّ يَا مُجِيبُ الدُّعَاءِ يَا رَافِعُ الدُّعَاءِ يَا مُعِزُّ الدُّعَاءِ يَا مُنِيعُ الدُّعَاءِ

في جودك ونشاني حسن ودانيتك حتى بلغ اشد بفضلك وازك

رشد بنيتك وخلص وجهك وتوجه اليك بمجامع قلبه متوكلاً عليك

اي رب اني تمشي كل خدمته في عبته قدسك ومعنى تمام العبودية في باب احدتك

حتى يصبح ناشراً لنعوات جنتك وسادياً بامرک في مملکتک متذكراً بذكرک من

عبادک وهدياً لاهل الضلال الى معين رحمتك بذلك يتقرب اليك ويؤ

الى حضرة قدسك رب رب ايداه على هذه الموهبة العظمى ووقفه على هذه <sup>المنقصة</sup>

الكبرى وشرح صدره بنور معرفتك واطلق لسانه بنفحات روح قدرتك <sup>حدهم</sup>

لايات التوحيد في محافل التجريد وتمرناً باسنان التقديس في رياض التفريد وتمرناً

في فروس المعاني بمثابة انوارك الرحمانى والتحدث بنعمتك بين خلعتك بطوره



آثار موعبت علی بیکه النورانی اَمک انت الکریم اَمک انت الرحیم اَمک انت

ذو فضل عظیم ع ع این مناجات بحمت حصول آمال آنجناب بگما، ذود اجمال کرده

تأیید و توفیق عنایت شود و البته این حاجت روا گردد ع ع

### هوائی

ای خداوند مهربان این بنده استنار روح مؤید کن و محبت هم فرما آرزوی ل

و جان بخش و پاسان عقبه علیا فرما موفق بنفحات روح القدس کن در مصون جانیت

محموظ و مصون دار در دنیا مورد عطا کن و در جهان بالا محبوب اصفیا فرما شنای

حقیقی بخش و اطمینان نفس عطا کن در دو جهان بعقبه مقدسه مشرف فرما الهی

بذاعبدک المنجذب بنفحات قدسک المشتعل بذکرک المشتعل بنا محبتک قدیمت

فی قلبه شعلة الهدی و توقدت نيران الشوق من ضلوعه والاشارة وقام  
 بالفار فی عقبه قدسک العلیا رب رخمة من کأس مزاجها کافور و ادخله  
 فی حدیقه السرور بفضل الموفور و سیر له کل معسور و استجب دعاه و وقفه فی  
 جمیع الامور رب انه اشبع الهدی بین عصبة من اهل الهوی و طمأن  
 اولی اشقی قدر له ما یتمنی و اجعل له مقاما علیا ع ع

### هو الله

ای ایران دست سزانه بدرگاه خداوند یگانه بنده کنسید و بگوئید ای خداوند کیت  
 ای پروردگاری بهتا ستایش دنیایش تو را که این اکلیل جلیل را بر سران  
 صنفا نهادی و این داور عزت ابدیه را بر دوش این فقرا دادی پرتو نقد

بریکل ترابی زرد انوار جهان ابدی ظاهر شد شعله عنایت از نار موقده ظاهر  
 شد و قلوب راحیات جاودانی داد سکر تور را بر این موبست بر این عنایت  
 و بر این رحمت که این ضمفرا را بان مخصوص داشتی تویی کریم و مهربان ع

### هُوَالله

ای درویش به دست تضرع بدرگاه احدیت دراز کن و آغاز عمر دنیا ز کن که

ای بی نیاز این کنیز ناچیز را در آستان مبارکت قبول فرما و این مال و پر شکسته را  
 هوامی س عنایت پر وازده این فقیر را بفر عبادت فرما و این فیلد را بدرگاه عزت  
 ع

### هُوَالله

ربنا انما توجه الیک و نتضرع بین یدیک و نذکرک بالهلین و الکبیر و تعنی <sup>ع</sup> <sup>ع</sup>

بالتسبیح والتقدیس بآین تنزیه عن التشبیہ والتنزیہ فقابلت عن کل ذکر وثنا فی

عالم الابداع وتعدت عن کل لغت وعلانی حیزالاحترام انشأت <sup>الاولی</sup> النشأة

بآیه من آیات قدرتك فی عالم الامکان خلقت من الکلون الا عظم سلطان

ناقد فی حقیقة الانسان فکل تسبیح وتقدیس وتنزیه وشمس وشمس وشمس وشمس وشمس

والنیان و انک متعال مقدس عنها و عما احاطت به محول اهل العرفان

وکل ما فی الکلون بالی راجع الی حیزالحدود والقیود حتی الاطلاق وانک

متعال عن ذلك ولو كانت من اعظم ما یصور فی عالم الکیان لان التنزیه

شان من شئون عبادک والتقدیس سمة من خصائص ارقانک وتشبیہ

حقیقة منبعثة من افکار خلقک وانک انت بتر عن کل ذلك ومع عن <sup>جميع</sup>

يصل اليه لطائف الادراك فالغزة والكمال والعظمة والجلال من خصائص

اصفيائك ولكن النفوس تصورون شئنا عالياً وصفات سامية <sup>بها</sup> ونعتونا

كعزتك الصمدية واحمال ان تلك المراتب العليا واحتياجات المشي

والشؤون المتعالية النور ترجع الى الحقيقة الرحمانية الساطعة الالامعة في انجاء <sup>نب</sup>

الايمان من البقعة المباركة وادى طوبى وودون ذلك او هام تصورنا <sup>فكاً</sup>

في عالم الانشاء وانت متعال مقدس عن حيز الادراك ولا تتميز بآفاق

المعاني في اوج الالام السبل مسدود والطلب مردود ولا اتصال ولا

اتصال ولا الوجدان ولا العقدان فابعدت كينونتنا لامعة وحقيقة ساطعة

وارجبت الوجود اليها ودعوت السجود ليهيها وامرت بالوفود في ساحتها

والورود فی قنابنها وما دون ذلك اذ هم واهيته وصور حالته ولكن اسجد  
 يا الهى بايديت المخلصين الى ذلك المركز الاعلى وودعوت المصيرين الى  
 الملكوت الابهى وديت المنجدين الى مركز لطوفه الملا الاعلى واوردت  
 انظار العتاش على الماء المعين ونورت الاعين بشاهدة نور المسين وفتح  
 الابواب على وجوه المشتاقين وازلت من سحاب حجتك غشاها طلاء  
 وابل على هذه الارض الهامدة الخادمة البائرة وانبثت منها الرياصين  
 ذريتها بكل روح بهج الهى الهى ترى عبادك المخلصين منتشرا في الاقاليم  
 وتشاهد ارقامك الموقنين قشمتين في كل الجهات بين العافلين يدعون  
 الناس الى عين اليقين ويهدونهم الى الصراط المستقيم ويسقونهم من عين  
 الشنيم

ولكن المعادين يرونهم بسهام نافذة ويحسون عليهم كالذباب الكاسرة السباع  
 ويذوقونهم العذاب الاليم رب انصرهم عن يود من ظلموك الكريم وايدهم  
 البديع وانجدهم بسطائك المبين وهد لهم السبيل يا ربى ارحم انت  
 ذو فضل عظيم على عبادك المخلصين لا اله الا انت الرب الرحمن الرحيم ع

### هو الله

ای پروردگار یاران شیراز محرم رازند و در عبودیت آستان مقدس عباده  
 بخدم و هم آواز آن نفوس را آیت هدی کن و آن گروه را بسط الهام مکتوب  
 ابی نما مشور و ولی انگیزند و مشک و عنبری بیزند و جد و طربی عطا کن  
 خبش و حرکتی بخش تا هر یک شهباز و ج موبت کبری شوند و عقافتا

مملکت اسی کردند از فضل تو امید دارم و از الطاف بی پایانت در استغاثه

توئی بخشنده و درخشنده و دهنده و مهربان ع ع

### الله اسی

ای خدای یگانه این بنده خویش را طرز دیباج کینومات فرما و این عبد

خود را در بین ملاامکان تاج عبودیت سرفراز کن این بنوار ابصر

عنایت پر نوا کن این بی سروسامان را در پناه خویش سروسامانی بخش

از کاس انقطاع بنوشان از جام عنایت سر مست نما بنده ضعیف چه

تواند و شسته نحیف چه پرواز نماید اوج عزت کجا بال و پر مرغ دولت کجا

ای پروردگار تو یاسید فرما تو تو همین بخش انک انت الکریم ع ع



## هوانه

ای پروردگار مهربان این نفوس ندای ملکوت شنیدند و انوار شمس  
 حقیقت دیدند و در رضای جانفرای محبت پریدند عاشقان وی تواند  
 و منجد بان خوی تو و آرزو مند کوی تو و متوجه بسوی تو دشمنه خوی تو  
 و مشغول بکفایت کوی تو توانی دهنده بخشنده و مهربان ع ع

## هوانه

ای خداوند این جمع مستمدر را خردمند ما و این دیوانه را راهوشمند کن  
 این گریان را آهوان بر وحدت ما و این خوشخواران را خوی شگاف  
 بخش ای پروردگار با استعداد و لیاقت معامله مفرما الطاف و عنایت

سبذول دار. اگر این وحوش را بحال خویش گذاری زوی روحی از آن قلم  
 باقی نماند جمع راجع بحکم کردند و بعد باب الیم افتند پس فصل و موهبت بپوش  
 این نادانان داد انا کن و این جمع پریشان را در ظل عنایت مجتمع فرما صلوات  
 بخش از سیف و سلاح بزرگوار ما آستی دوستی راستی و حقیقت پرستی  
 عنایت کن توئی مقدر و توانا و توئی عالم و قادر و بینا ع ع

هُوَاللهُ

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْغَرَمِ وَ الْوَقْرِ  
 اَعِيْذُ بِكَ وَ سُبْحٰنَكَ مَنْطَعِيْنَ عَنِ الْوَمَكِ مِنْجِدِيْنَ مِنْغَمَاتِ قَدِ  
 مَنْطَعِيْنَ اَيَاتِ تَوْحِيْدِكَ فَشَرِّحِيْنَ الصَّدْرَ بِالْاِسْمَةِ السَّاطِعَةِ مِنْ اَنْفِىْ اَحَدِ

بازلين الروح في سبيك مستميرين على ذكرك مستمدين من فوضاتك  
 رب ارحم فضلنا واحسانك واجعلهم آيات التقديس بين خلقك ورايات  
 الشريه في بلادك رب اشد وارورهم وقوهم ورحمهم على عبوديه عتبتك العالته  
 وعبادتك ليلا ونهارا والالعه مع اجناسك عتيا وابعارا انك انت الالكه  
 انك انت العظيم انك انت الرحمن الرحيم عبد البها عباس

بوالله

اللى اللى الف من قلوب اجناسك وصد نفوس اصداقك  
 واجعلهم مشعدين متفطين في جميع الشون واجمعهم على معين حانتيك من  
 برقيتك وفي ظل رايه فردانتيك بين خلقك واحشرهم تحت لواء الوحد

الانسانیه و احطلم فی صون جائیک عن کل بلتیه انک انت المقدر العزیزین<sup>المهمین</sup>

الکریم الرحیم  
عبد البهار عباس

هو الابی

ای یاران آئی دست تضرع و نیاز ساحت قدس خداوندی انبار بند کنسید و نجات کنسید

ای خداوند بی مانند ما بنده گان خاکساریم و تو بزرگوار گنه کارانیم و تو آمرزگار

ایسر و قهر و تحریم و تو مجبور و دستگیر موران ضعیفیم و تو سلیمان پر شمت سریر فلک

مخص فضل حفظ فرما و صون و عون خویش در نع مغرما خدا یا امتحانت شدید

است و اقیانت آدم بنیان بر صید ما را حراست کن و قوت بخش مسرور

فرماید ده و چون عبد البهار بر عبودیت آستان موفق نما ع ع

## بُوائتہ

رَبِّ رَبِّ اَيْدِ عِبَادِكَ الْاَصْفِيَاءِ عَلَيَّ اَحَبُّ الْوَلَدِ بَيْنَ الْوَرَثَةِ وَوَقِّم  
 عَلَيَّ شَرَّ اَمْرِي مِنَ الْمَلَا اَلَا عَلَيَّ مِنْ اَهْلِ الْاَرْضِ كُلِّهَا اَنْتَ الْمُعْتَدِرُ

الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ الْوَهَّابُ اَنْتَ الْكَرِيمُ اللَّطِيفُ الرَّؤُفُ الْمَثَانُ ع

## بُوائتہ

ای پروردگار اہل بہار اور ہر موردی تشریح و تقدیس بخش و از ہر الودگی  
 پاکی و از او کی عطا کن از ارتکاب ہر طرودہ نجات دہ و از قوم و ہر عادت  
 راہی بخش تا پاک و از او باشند و طیب و طاهر گردند سزاوار بندگی آستان  
 معتمد شوند و لایق امتساب بحضرت احدیت . ع ع

## موانع

ای پروردگار این جمع یاران تو اند و کمال تو منجد بند و بنا بر محبت مشتعلند  
 این نفوس را طایفه آسمانی نما و صفحه روح القدس زنده فرما لسانی با طقش  
 و قلبی ثابت عطا فرما قوه آسمانی ده و سوحات حمانی بخش و مروج وحدت  
 بشر فرما و سبب محبت و الفت عالم انسانی فرما تا ظلمات مملکت تعصب  
 جاهلی با نور شمس حقیقت محو زایل گردد و این جهان ظلمانی نورانی شود و ا  
 عالم جسمانی پر تو جهان روحانی گیرد و این الوان مختلفه مبدل بیک رنگ  
 گردد و آهنگ تسبیح ملکوت تقدیس تو رسد توئی مقدر و توانا

## هو الله

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعْبُدُكَ الَّذِىْ نَبِىُّ لَدُنَّكَ صَدَقَ بِكَلِمَاتِكَ وَاَمِنَ بِاَيَّامِكَ  
 وَاَطْلَعَ بِحُجَّتِكَ وَاِسْتَوْفَدَ مِنْ نَارِكَ وَاَسْتَهْدِىْ مِنْ نُوْرِكَ وَخَرَّ  
 مَغْشَاً مُنْصَعِقاً مِنْ قَلْبِكَ فِىْ يَوْمِ ظَهْرِكَ وَاِسْتَلِىْ فِىْ سَبِيلِكَ وَاَسْتَدِثَّ  
 عَلَيْهِ اَرْمَةٌ اَلْبَدَا مِنْ ظَهْرِ حَيْثُكَ وَاَذَاقَ كُلَّ عِلْمٍ حَتّٰى يَجْمَلَكَ وَشَرِبَ كُلَّ كَأْسٍ  
 مِنْ اَجْمَلِ حَتّٰى يَسْتَوْفَا لِقَائَكَ وَاَحْتَمِلَ كُلَّ ذَلَّةٍ لِحُبِّ رِضَاكَ وَاَخَاضَ فِىْ كُلِّ مَكْرٍ  
 مِنْ الْقَضَاءِ وَاَلْبَاسِ شُغْفَاً بِحُبِّكَ اَيُّ رَبِّ وَاَقْبَهُ عَلَى مَا حَبَّبْتَ وَرَضِىْ  
 وَاَشَدُّ اُزْرًا مِنْ فَضْلِكَ يَا رَبِّىْ اَلْاَعْلٰى وَاَقْوَمَهُ عَلَى طَاعَتِكَ يَا مَلِكُ الْاٰخِرَةِ وَاَلْاَعْلٰى  
 وَاَنْزَلَ عَلَيْهِ حِمَّتِكَ يَا بَهَارَ اَللّٰهِ الْاَبْسَدِ وَاَسْبَغَ عَلَيْهِ نِعْمَتِكَ يَا طَلِيْقَ الْاَرَضٰى

واجعلہ قائماً بین عبادک علی اعلا کلمتک یا مؤید من تشار انک انت

الموفق المقدر المقدر العزيز الوهاب ع ع

ہوائے

رب ورجائی انی اتوسل الیک بنقطہ فردانیتک و حجاب و حیک

و کلمہ ربوبیتک ان توید عبدک بذات نعمات قدسک و روح مناجاتک

و التذلل و الامسار فی حضرہ احدیتک و الاکتشاف لاسرار کتاب ربوبیتک

انک انت الکریم انک انت الرحیم و انک انت البہر الزوف العظیم

ع ع

ہوائے

... توجہ بملکوت غیبی کن و مناجات نما امی یزدان مہربان عزیز مگر



عصیانم طریق غفران بنما سرسر قصورم از دام غرور رهایی بخش جسمانیم و کانی  
 نما امکانیم رحمانی کن تشنه ما معینیم بعین نسیم دلالت فرما مشتاق  
 دیدارم مشاهده انوار میر فرما از خود بیزارم گرفتار خویش کن و از عالمیان  
 در کنارم نفوذ زلف مشکبار بشام آرزو گردانم سر و سامان بخش بچه ام  
 آواره ام پناه ده مشتاقم بوقاق وصال در آرزو در احترامم نور اشراق بیار  
 ضعیفم توانا ما فقیرم کنز عطا کن دردمندم درمان ده جریمم مروت عطا  
 کن گرفتارم رهایی بخش پرگناهیم از دولت عصیان برهان و ظل  
 عنایت مسکن بخش و بصر موهبت معاطه فرما تا پی جهان دیگر برم  
 و کشور دیگر رهبر شوم از کانس ظهور بر سر مست کردم و در میان محبت می پاست

شوم توئی قادر و توانا و توئی کریم و رحیم و بر عطا ع ع

هو الله

الهی الھی نحن عبادک العجزاء قوما بقوتک الشافذة فی حقائق الاشیا  
 و ایدنا علی ما تحب و ترضی و نحن الضعفاء امد و ما بقدرتک العظمی نحن  
 فقراء انعمنا من کنوز احسانک یا ذوالاسما الحسنی و نحن مرضاء اشفا  
 بدریافتک الاعظم من بذله العلیل المستولیه علی القلوب و الارواح رب رب  
 اشرح صدورنا بالطافک انزله من ملکوتک الرقیع و تورق قلوبنا بالنور  
 المسبح من الافق الکریم و استنسا کاساد اقاط فح بصهار موهبتک  
 واجعلنا سکارى من بدم معرفتک لنسرح فی ریاض العرفان نسج

في حياض الايقان وتصلح نسيم غيايتك من غياض الفضل والاحسان

انك انت الكريم المعطي المنان ع ع

بهوالله

انتم يا من مانج بحور الطافه ومانج نسيم غيايتيه على كل قائم على اعلا كلمته

وكل سارع الى مشهد الفداء بقلب طافح بالحبه والولاء ونطق بالثناء

بين الوردى على جواره اربى رب ايد كل من دلع لسانه بالبيان

في شرفحات و انحدت منه شقائق البرهان ايضا كما تجتهد و طاسم

كالطمطم ابهنام التمام بذكرك وتقرده يورقار في رياض معرفتك و فز

زير انصر غام في ايكه موبيتك رب جرعم كاسا طافحه من الهدى

وَنَحْمُ بِلَدِّ الصَّهْبَارِ وَنَطْعُهُمْ بِأَبْدَعِ الْبُرْهَانِ الْهَمَّهُمْ بِأَكْبَحِ الْبَيَانِ وَعَلْمُهُمْ جَوَاهِرُ

الْبَيَانِ أَنْتَ الْكَرِيمُ أَنْتَ الْمُوَيْدُ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ اللَّطِيفِ الرَّحِيمِ ع ع

هوائه

سَجَانِكَ اللَّهُمَّ يَا أَلْحَى تَرَانِي كَبَابُ بُوْجِي عَلَى تَرَابِ الذَّلَالِ الْاَنْسَارِ وَأَنْدَ

إِلَى مَلَكُوتِكَ الْاَعْلَى وَالتَّسْوِقِ إِلَى مَشَاهِدِ الْكِبْرِيَاءِ خَاضِعًا لِسُلْطَنَتِكَ شَا

لِعَظَمَتِكَ مُتَضَرِّعًا إِلَى حَضْرَةِ رَحْمَتِكَ مَهْتَلًا إِلَى مَلَكُوتِ قُدْرَتِكَ

مُتَرَا بِنَظَرٍ مُتَمَنِّيًا لِلْعَطَاءِ مُسَكِّنًا لِلْعَطَاةِ مُنْتَظِرًا لِلْفَيْضِ سَحَابِ حَمْدِكَ

عَلَى الْمَعَاهِدِ وَالرُّبِّيِّ رَبِّ قَدَاحَاتِ قُدْرَتِكَ الْاَشْيَاءِ وَظَهَرَتْ

سلطنتك وملكك وملكك في كبد السماء ونفذت كلمتك في حكمة  
الأكوان وارتفع نداك في قطب الامكان وانتشرت انوارك الساطعة انوارك  
مطالع الآفاق واشتهرت آثارك البديعة الاشراف فحارت من مشاهدته الجبال  
والاصداق فامن ارض الاشاع فيها صيت امرك الكريم وامن اعلم الاوار  
فيه ملك المين فاستغزى نداك كل الرمي واهتم منه المنجذبون بنعمتك  
التي  
التي لك الحمد يا الهى على هذه الموهبة الكبرى على الاصفا ولك الشكر على  
هذه الرعمة العظمى على الارقار الثقباء بما جعلتهم آيات التوحيد في هذا العصر المحيد  
ورايات التقديس في هذا القرن المجيد رب رب ايد الضعفاء بشيعة الصو  
واجرا الاذلاء في جوار رحمتك العظمى واشهد وارزور نفوس تهللت وجوههم بانوارك

و تہمت السہم بذرک و شاک و جہلم اشجارہ یقتک النور و از ہر سحر  
 الطوبی و اوراق سدرک المتقی و اوراد خبات علیا انک انت الکریم  
 انجاب رحیب الفناء وسیع الرحاب و انک انت المجر المعبود  
 العظیم الکریم الوہاب ع ع

ہوالہ

.... پس شکرانہ این دیش و بخش بزدان اسان باشد بگو ای پاک پروردگار ہر  
 سائش ترا لائق و سزا کہ از ما ہمیں خلق نمودی و در اعلیٰ غرف علیین مقر  
 و مستقر عنایت فرمودی از سجدہ مبارکہ انبات نمودی و بہ بنیان فضل  
 پرورش دادی و بنسائم عمد و سیشاق مہتر فرمودی ع ع

ہوائے

رب رب نور وجود احبائک المخلصین و ایدہم ملائکہ نصرک المسین

و ہتم علی صراطک المستقیم واقع علیہم ابواب البرکۃ بفضلک التقدیم لائہم

ینفقون بانحوتہم فی سبیلک و یحافظون علی دینک و یطہنون بکراک و ینبذون

ارد احمہم فی محبتک و لا یخجلون باموالہم حیاً بحالک و طلباً لرضائک

رب قدر لہم جزاءً موفوراً و نصیباً مفروضاً و اجرًا محمواً انک انت الموفق

المؤید البازل المعطى الکریم ع ع

ہوائے

ای پروردگار دردمندان را درمان کن و ہوشمندان را محرم ایوان

افقِ عقیقین بر اینور مبین روشن نما و ساحتِ لهار از شک گلزار روشن  
 کن هر یک از اجبار انجم بدی نما و هر یک از اهلِ وفاراکو کبی ساطع  
 افقِ اعلیٰ نهالهای صدیقه رحمانیت اطراوت و لطافت بخش و نو  
 رسیدگان بارگاه احدیت را صباحت و صلاحت در بندگان و برکت  
 را انوار عقیقین فرما و آزادگان قدیم را شهریارانِ قلمم نسیم کن رویشان  
 برافروز و خوشان را مشک جان فرما و آفاق را منظر و مغربنا و ستارگان  
 بدیضمانا و لعنشان لولولا لابرانشان شعبان مبین کن و دلیشان  
 سوحات عقیقین ظمیرشان شهید القوی کن و نصیرشان حسود

عقوت ابی غ ع



## هوائیہ

الہی و ملاذی و کف صونی و عونی فی شدائی و بلائی انی ابطا لک  
 اکف الفراعہ و امد الیک ایدی لاتبہا لربی المتعال یاذا الجلال  
 واکمال ان تنزل کل برکت و مویبتک و سابقہ رحمتک و سابقہ نعمتک  
 علی اصبتک الذین ہم شکرکم سخات اعین حایتک و جذبہم نہات تبتہ  
 فردایتک و ثقلت قلوبہم من افداح راح محبتک و انشت ارداہم من  
 حقیق و مان مویبتک و انشحت صدورہم بنور معرفتک و وت اعینہم  
 بشاہدہ آیاتک الکبریٰ المشرقة من افق ملکوتک ای رب ہو لاجع شکرہم  
 بفضلک و لم نستم بحودک و شدد ازہم باحسانک و قوی ظہرہم باطاعتک

وادوا الى كف الالفة والاتحاد وجانبوا جنب الكلمة والاختلاف وسكروا  
 من افداح الانصاف وانتبهوا من سكر الاعتصاف واستهلوا بتعلوهم الى  
 ملكوتك الابهي وتضرعوا الى جبروتك الاعلى وضرعوا وفرعوا وشكروا  
 وخرنم اليك واتحاد عليك وطلبوا رضاك وتمنوا رضاك الى ان  
 ايديهم على هذه الموهبة الكبرى وشرفتم بهذه النعمة التي نسجتها ايدي رحمتك  
 العظمى وجمعتم في ظل خيام وصدة كلمتك العلياء وشدت بعضهم ببعض لبنان  
 المرصوص بنياتك التي سقت ملكوت الاشياء اى رب اجل كاشم  
 طافحاً وكونهم لا تحا وصبهم شرقاً واقصم لاسعاً وجرهم مواجاً وسراجهم داجاً  
 اى رب ايديهم كمنود لم يردوا وانصرهم بملائكة ملكوتك الابهي واصلهم ايا

کتاب المبین و از فهم رایات جنودک العظیم ای رب نفس هم فی سما  
 رحمتک و نور بوجوههم افلاک معرفتک و اجلهم اعیاناً صافیة نابتة جاریة  
 و انظمتهم مثلاً نفسک فی الاندیة الجامعة الزاہیة واقع علیهم ابواب برکتک  
 من سائر اجہات و افضل علیهم سحاب مویہتک بمطار الفيوضات و  
 فرح قلبی باستماع اخبارهم المسرۃ فی کل الاوقات و عطر مشامی بنفحات  
 حدائق قلوبهم یا مالک الارضین و السموات انک انت المقدر المعطی  
 العزیز الوہاب ع ع

هو الله

ای یزدان مہربان سر ایا گنہیم و خاک رہیم و متضرع در بر صبحکیم ای بزرگوار

خطابوش و عطایش و فایزها صفا غایت کن تا نور هدایت تا بدو پرتو  
 موهبت بفرزاید شمع غفران برافزورد پرده عصیان بسوزد صبح امید  
 دهد ظلمت نو میدزائل گردد نسیم الطاف بوزد و نسیم احسان مروری  
 مشامه نظر گردد رویها منور شود تویی بخشد و مهربان درخنده تابان

### هو الاهی

ای پروردگار مهربان این یاران خویش از بیگانه خویش بیزار نما و بنفحات  
 ریاض ملکوت ابیایت هزار و دسار فرما چشمه را بمشاهده انوار روشن نما  
 و جانها را گلزار و چمن قلوب را حدیقه و فاکن و صد در را معین فیوضات ملائکی  
 فیض روح القدس از زبان فرما و قوت روح الامین ایگان کن تا دوستانت

بقوت لاهوتی و قدرت ملکوتی و سطوت جبروتی و تائیدی سمائی و جنود  
 آسمانی نفسی رحمانی و ششوی یزدانی و دیدنیانی کلیمی و نورهی سمائی و غنی خللی و  
 معتسی حسبی و جمالی یوسنی و اشتیاقی یعقوبی و صبری ایوبی بر خدمت تمام  
 نمایند رب و قسم علی ذلک انک انت القوی القدر ع ع

بخوانند

یا من توجه بکلیته الی الله هر چند در تکریر تفسیر عبد البها بسیار است الی قلب میرایان گمان  
 که در عین بیان حاصل در جمیع اوقات بناجات پردازم که ای پروردگاری آفریننده  
 آن ابرار و در ظل عنایت پرورش ده و آن احرار را بر جمیع قومودات آرا  
 فرموده هر دو کی ششمنی از رشحات ابر عنایت عطا فرمود در هر نفسی نفوس سلیمان

نفسی بر شامشان عرضه دار تا بجان دل بختت روح در سخنان یابند و ما  
 نار موقد و در نهایت التهاب با تشعشع عشقت آروزند توئی مقدر و توانا  
 و توئی کریم و رحیم و مینا ع ع

### مواضع

ای پروردگار ای پناه آوارگان تو آگاه و فان آه صبحگاهی عنایتی فرما  
 در حسی کن تا جانهای مشتاقان بملکوت احدیت بتابند و ارواح آوارگان  
 در سایه رحمت بیسایند فوق پر حرقت جانرا بگذار و حرمان و هجران و انرا  
 مرده و پشمرده نماید پس ای خدای مهربان تائیدی بخش و توفیقی ده تا از این  
 دایم و دانه بریم و باشیانه رحمت پریم در شاخسار وحدت در حدیقه

عنايت بانواع اسخان بجامه و نفوت تو مشغول كرديم ع ع

هو الله

ای پروردگار این بنده جان نثار را در پناه ملکوت اہمایت محفوظ و مصون

دار و در ظل شجرہ انبیات محفوظ و سرور قوت توحید بخش و آیت تفرید و

و جمع اہل اطفال و یارانش ادوست دار ع ع

ہو الله

اللهم یا ہدی الصالحین الی المنہج القیوم و یا دال الطالبین الی الصراط الیم

و یا مؤید المخلصین علی شرفات قدسک بین العالمین و یا محیی العظم الریم

من نفقات روح القدس فی قلوب المقربین انی اتوسل بذکرک الحکیم

تشبهاً بذي رواد الكبرياء منقطعاً عما في الارض والسما متصرفاً الى كلوبك  
 الاعلى مهلاً الى عقبه احديتك العليا فاضعاً ماشعاً متصدعاً لامر  
 من الوري ان تكشف العطاء عن بصائر اهل الهوى وتدعوهم الى مشاهدة  
 اياتك الكبرى الساطعة النورية على كل الارحاء الباهرة البرهان في كل الاشياء  
 رب رب ان اللبنة اللبلاء والظلمة الدهماء تمنع اهل الغبراء عن مشاهدة  
 انوار اجمال وملاحظة آيات اجمال رب اكشف هذا الظلام احكامك  
 ليروج افاق التوحيد على كل المسالك ويحيد كل الوري سبيل الهدى ويبيد للقاء  
 ويجذبوا الى افاق التقدس بقلب خائف بالولاء ودمع دافع بمرارة محبتك  
 اضطرته في القلوب والاشياء رب ان سمى عبدك للمعترف بالعمزة لفضلك



قد توجه الى عقبه قدسك المعطرة الارجاء ويده عموك بكل ضراقة واطحاح يطلب  
 لاجباتك الاصفيا عموك وصونك وعنايتك وفضلك الا وفي رب  
 اجب له الدعاء واسمع له النداء وقد لصفوة خلقتك التدرج في اعلى مراتب  
 الاعلى والوصول الى الغاية القصوى والورد على الورد والمورود الاعلى والوفود  
 على قناباب احديتك الاعلى رب سهل لهم الامور وبدل كل معسر بميسور  
 وادخلهم في صيدته السرور وادقم حللوه كاسك الطهور وانعم عليهم بالظانك الخفي  
 من اعين اهل الغرور من اصحاب القبور رب قد نزع متاجرهم وخصت  
 مكاسبهم وثقت شغل اموزهم فاجمع الساء بفضلك يا معطي يارزاق وبدل خسرهم  
 بالسرور وشدتهم بالرخاء وانعم عليهم بسعة العيش والنعيم والسرور من الاضطراب

والطير والنساء وقد لهم في كلوبك كل خير وادفع عنهم نقوة حير وملك كل ضمير  
 حتى يداوموا السير في الطريقة المشي ويستمتوا عن الغير في احياء الدنيا و  
 انفاش طيب عفت من خبث الابهى انك انت المتقدر العزيز القوي القدير  
 ع ع

### هو الله

ای پروردگار هر چند عاجز و ناتوانم ولی تو قادر و توانا شمرنده ایم درگاه  
 و عاجز مانده ایم تو معنی تو نظیری تو دستگیری آنچه سرا و ار پروردگار است  
 شایان فرما و آنچه شایان آمرزگار است از ان کن توئی بخشنده و دهنده و خطا کننده  
 ع ع

### هو الله

ای یزدان مهربان یاران جانفشاند و دوستان پر توانان اینر  
 محبتند

دستبرباب حجت رضای توجویند و زار تو کویند و راه تو پویند ای پورگ  
 گناه یامرز تضرع و ایهال بیاموز تا کل عبودیت پر داریم و سوحات حیات  
 طلبیم و نصیاح و وصایای تو عامل کردیم شب روز بجان دل بکشیم و بگویم  
 و بخروشیم تا انوار توحید بدرخشد و آیات تجرید ترسیل گردد و صبح تعدیس  
 و قلوب بانوار الطاف روشن و منور گردد الهی الهی هؤلار عبادت مند لکن  
 الی غره ربوبیتک خضع فی عتبه رحمانیک خشع لعزلک و جلال فردا  
 متوجمون الیک و متوکلون علیک و متضرعون بین یدیک رب انزلنا  
 آیات الهدی و اجعلهم مصابیح لنا الاعلی و اتق علیهم کلمه التقوی و نور قلوبهم  
 بشعاع ساطع من اوج العلی و انظهم بالشار و احشرهم تحت رایه الموهبه العظمی

واجبهم طيوراً صادقة في حديقته الوفاء واسود أزائره في غياض البقا، وحيثاً

ساجد في حياض الملكوت الابهي انك انت الكريم وانك انت لعظيم

وانك انت الرحمن الرحيم ع ع

هو الابهي

ربُّ رباني ان هولاء ارقامك واماك قد توجهوا الى ملكوتك كما

واسهلوا الى جبروت فردائيك وشبهوا بديل رداك كبرياك فمسوا بايديهم

ازار ولائك اى رب افصح عليهم ابواب البركات وازرقم من كل الترات

انك انت الكريم الوهاب ع ع

## ہوالابی

پس سان باطنی بگردانہ الطاف حضرت خالق بگشاید و بگوئید، پروردگار استائش ترا  
 سزا است کہ این بی کسان انجام عنایتت راہ دادی این فقیران را  
 بکفر خفایت دلالت فرمودی این ذلیلان عبرت قدیمہ ہدایت کردی حمد  
 ترا شکر ترا ای پروردگار ع ع

## ہوائیہ

رب ایدہذا جمع علی رضاک و انشر بہم نعمات القدس فی الآفاق و  
 ثبت ہم الاقدام علی صراطک المستقیم فان الشہات شاعت و ذاعت فی  
 کل اہمات و جنود الارباب قد تفرقت فی کل الاکناف رب احفظہ <sup>سفینہ</sup>

سر از عن طبع الزلال و احسن حسن حمدک عن هجوم افواج الاختلاف

ایک انت الحافظ المقدر العزیز اختیار ع ع

هو الابی

ای بیان مہربان من عبد البہادری از یاد شما فراغت آرد و ہوارہ بعبقہ مقدسہ حضرت <sup>سما</sup> نیست

عجز و نیاز نماید کہ ای پروردگار عبد البہا خاکسار را بخدمت برابر موق فرما و <sup>من</sup>

بندہ بی سرو پارا بعبودیت احرار موند کن تا در انجمن عالم نبو محبتت دشن گردد و

چنان اشرافی نماید کہ ظلمت کلفت ازل گردد و حقیقت الفتوح گشاید

آفاق انسانی نورانی گردد و صبح و سلام داشتی و فلاح فیض جانی شود و حدت

اصلیہ جمال نماید و در ابط قدیمہ شاہد انجمن عالم گردد ہر یک دیگری را جان <sup>من</sup>

شود و هر فرد سائر افراد را قربان کرده و کل در ظل عبودیت درآیند و از بحرا صد

نصیب بربند آیات مصحف توحید شوند و آیات لشکر تحریک گردند تا جهان

فانی نموده عالم باقی شود و فرج و شادمانی جلوه عالم انسانی ع ع

### هُوَالله

الهی الهی هُوَالله عبادت ائمه بشایده اجمال و التذات اذ انهم باسما

التذات من ملکوت اجلال و طابت نفوسهم بحصول الامال و انتعشت ارجهم

من اقداح راح دارت فی محفل الاجلال و خضعت لکلمتک منهم الاعناق

و ذلت لامرک منهم الرقاب و خضعت لکلمتک منهم الاصوات و خضعت

منهم الوجود لسلطانک یا حی یا قیوم و اعترفوا بوجدانیتک و اعترفوا من کبر

رحمتک و اقربوا الی ملکوت احدیتک و انجذبوا بنفحات قدسک و استعلوا  
 بنا معنتک رب ایدیم علی ماتحت و رضی الشرعی رؤسهم لو ادا کمد فی سائر  
 الارجاد و کتبهم فی کتاب السعداء و توهم با کلیل ما بهره ساطعه علی القرون  
 و الاعصار و اغرقهم فی بحار الانوار و اسمعهم من انعام الاسرار و اذ خلهم فی فرقة  
 الابرار و اجعلهم من جنود الملائکة الاعلیٰ مجتده فی ملکوت الابهی حتی یفتحوا ابواب  
 القلوب و اقالیم الارواح بقوه ذکرک یا فالتی لا اصباح انک انت الکریم  
 العزیز الوهاب و انک انت التواب الرحیم لا اله الا انت الغفور الکریم ع

هو الله

ای لبرافاق شکر ترا که دیده بیدارت روشن گردید و دل و جان از نعمت



قدست غبطه گلزار چمن شد نغمات انس مروریافت و نغمات روح الصدق  
 منتشر شد جان بجان رسید و دل راه بیارگاه یافت و بسر کفنون و مضمون  
 آگاه شد ای پروردگار در صون حمایت نای ده و در کف غایت طمان  
 و پناه بخش ای مهربان اگر بنوازی جوهر وفا و حقیقت عطاست و اگر  
 بگذاری اهل خطا مستوجب عذاب و جناست آنچه شایان آستانت ایگاه  
 فرادا آنچه لایق حقایق است ارزان کن ذلیلی را بصر فو مهبت عزیز علوت  
 فرما و حیرت را بنهایت اُفت منظر فیض لا الهوت نما ای پروردگار  
 خط کن صیانت فرما تا قدم مغرور و باسفل درجات نرسد تویی مقتدر عزیز  
 و توانا و تویی عالم و بیساودا ما انک انت الغفور الرحیم ع ع

## هوائے

بہا چھی اشبار و جانی آتشبار بدرگاہ پروردگار تضرع و اتہال نمایم کہ ای خداوند یارا

ہو سمندر انوار عیش و حافی میا سار بزم ربانی بسیار او جمال نورانی نما

ای پروردگار ابرار را بزرگوار کن و فیض ابدی آشکار کن اسرار پدید

نما و انوار آتشار وہ ہر ولی را ہمد مایوت کن و ہر چشمی را روشن بسنا

دوستان اعزیز کن و یاران با فرہنگ و تیر نما ہر یک را شمع جمع کن

و شاہد انجمن نما و سرو این چمن کن و طاوس این گلشن نما تا جان آیزین بخشند

و این نورسین منتشر نمایند حسین بر تو فیض قدیم بیا راند توئی مقدر و توانا

و توئی دہندہ و بخشندہ و مینا لا الہ الا انت الکریم الرحیم المعطی الفضل ع

## هو الله

• سبحانه اللهم يا آلهي لك الحمد ولك الشكر على ما أنعمت وأتيت وأليت  
 وأعطيت فأحترت عباداً مخلصين لك الدين بين العالمين وخصصتهم  
 بالاعتباس من نورك المبين والاعتجاب إلى جمالك المنير والسلوك على  
 صراطك المستقيم رب إن النفوس غافلة عن ذكرك والقلوب معرودة عن  
 والابصار مجرّبة من ملكوت السجالات والعقول في اهتاف عن مركز الكمال لا هؤلاء الذين  
 تبتوا على الهياق وتركوا الشفاق وأقبسوا نور الأشراق وصموا عن النفاق وقاموا  
 على خدمة امرئ في الآفاق وترنخوا من كأس ديان ولم يحظ الأذفر وغير خلاق  
 من فيضك المنهمر وصيب سماك المدرار ويصوب الفضل ويجود النابج بأشدة

انشقاق رب اجعلهم آيات الهدى ورايات العلى وكلمات التعميم وجموع  
 الملأ الاعلى وطلائع السما حتى يمتد بهم شروق الارض وغربها وتشرق بهم ذكرك في  
 جنوبها وشمالها وترتبي كل الورى في هذه النشأة الدنيا بالاسما بحسنى والمثل  
 الاعلى رب ارفع بهم لواء الوحدة بين البشر وراية المحبة بين الورى حتى ترجع  
 الكسرات الى مركز الوحدة والآيات وتنشق حجاب البضار وتضمحل معالم  
 وتزول الضغينة والعدوان في عالم الانسان ويرجعوا الى الوفاق بعد النفاق  
 ويبدلوا البضار بالولاء ويهتوا في الخيبة والسقى ويرجعوا النور والعتاج ويستغيثوا  
 بك في البحر والنهار ويتبادروا الى الباقيات الصالحات في عالم العلا  
 رب اشد ظهورهم على خدمك وقواريرهم على عبادك واشرح صدورهم

بنور معرفت و نور بصارت مشایخه طلعتک و ارح ارواحم بمعانی موعبتک

و طیب نفوسهم بمطایر ارفقت انک انت الکریم الرحیم العزیز المعطی الوهاب

لا اله الا انت الغفور العظیم الخفی الخفی الالطاف ع ع

### هوایه

ای بخشنده مهربان یاران اول جان شادمان کن روح دو جهان

جنت صنوان فرما در هر دمی تائیدی جدیدش در هر نفسی نفس بهانی

بفرست نفوس آیات هدی کن و وجه را سرج ملا اعلی زبانها گویند

و گوشها شنوائی آیات تقدیس کنند و استماع اسحان بیع از مملکت

جدید هر یک را کوی کن و از ارق موهبت کبری بخشنده فرما از شرق

بدی بقرون اعمار تابند توئی مقدر و عزیز و بخشنده و درخشنده

و دانا لا اله الا انت العزيز المستعان ع ع

هو الله

ای پروردگار این نفوس دوستان تواند و این جمع یاران تو و این انجمن  
 پریشان تو از نسیم عنایت قهر نبرد و از نسیم مهربت مشام مطرب حلی رحمتی کن  
 دستنی و مویستی بخش دلها آزاد کن جانهار ازنده بخشش و عطای مرزاد دانا  
 در صون حمایت صیانت فرما و در امر عظیم سلطان بنیت استقامت  
 بخش خلق جدید کن روح تفرید بدم آتش حبت اتحاد و در قلوب برافروز  
 و پرده اولام مختلفه بسوز ثابت و راسخ کن ثابت و باسوق فرما ابواب عطا

گشا جام صفا بدور آرزوم عنایت بیار او موافق مویست نازل فرماتا سمانی

گردند مملوئی شوند انت الکریم ع ع

هوائه

ترانی یا الهی قد استغرقت فی بچار الحیره و خضت فی غمار الذبول ولم

ادر کیف اذکرک بنعوت تلیق فی عبتک العلیار و منعی لسهه ملک الذی

لا یعنی لانی ار می عجزی و فقری و ذلی و مسکنتی فاین العبراء من عنان سما

و این خصیض الادی من الاوج الاعلی این البغاث من النسر الطائر فی

الاجح الاسمی و معذک یحب قلبی ان اقوم ثنائک بین خلعتک

و ادعوک لبسانی بین برتیک و قد کل لسانی عن الكلام و انکسر جناحی عن الطرا

وذبل عظمي عن الاذراك وضرصدي عن العرفان واذكرك مع اعترافي بخطاي عند  
 ثنائك وقصوري وفتوري عند تقديم المحامد والنعوت لساحة قدسك  
 رب رب لا تواخذني برثتي واصلح حوبتي واكشف كربتي وانسي في وحشتي  
 وراضني في غربتي واجعلني منجذباً بذكر اجابك ومسعراً بلطفي نار محبة اصفياءك  
 وشرح الصدر بالثناء على اودائك وقرير العين بشاهدة وجوه ارقامك  
 وانت تعلم يا الهي بانهم شفقوني حباً واجتوني قلباً وشدهم بقدرتك ارادوا  
 قومي بقوتك لهم ظمراً وارسلت اليهم نسائم قدسك وعطرت مشامهم برائحته  
 يا ضانك رب فخر في قلوبهم نيايح المعاني واكشف على عقولهم  
 سر كلمايك في السبع المثاني وذلّم على من يدل عليك في المشهد الرحمان



رب از بصرایم بنور العرفان و نور ضایریم بالفیض و الاحسان و انطعمهم با سحبه  
 و البرهان و المهمم کلمه الفصل و الالطاف و احلیم بداه بریتک و تقاه حدیثک  
 و ماه حاک انا انت الکریم الکریم العزیز الوهاب و انک انت العوی  
 المقدر المختار لا اله الا انت الکریم الرؤف المنان ... ع ع

### الله ابی

ای ناظر بوجه توجه بملکوت ابی و حیرت غیب عما کن و مناسبات فنا و کما  
 مهربان ای یزدان پاک این بند ضعیف و او ظل کلمه رحمانیت متعده  
 و این عب خیرین و ادسیایه شجره سدره و ماوی نخبش این بی نصیب را  
 نصیبی غنایت کن و این بی بهره را بهره ای بخش از بحر غنایت

قطره ای برسان از نمر موهبت رشمه ای بسدول کن تا حیات تازه یابم

دوهبت بی اندازه جویم ع ع

هوالله

پروردگار اهرمانا این جمع مبعثان و دوستان تو عاکف کومی تواند دلداد  
 روی تو داشته راه در جستجوی تو اند پریشانند و دریشانند و بی سرو سامانند  
 رحمی فرما و محبتی کن که در ظل سدره رحمانیت بلخظات عین عنایت منظور  
 گردند و در سایه جناح موهبت و خیم محبت سارند و شکان لال الطافند  
 بر بحر اعظم وارد کن و گلستان باوید اشتیاقند بقیاب و صلت راه بنما شیر  
 حب تواند از هر قیدی آزاد فرما و دلیل راه راست ضای تواند دلالت

فرشته سلیمیل تواند سیراب کن و خسته تیر سحران تواند نغمات بشارت  
 وصل مسرور فرما حال که جمال نورانی از ارق امکانی مستور فرمودی بنسائم ریاض  
 ملکوت جان احسان کن و فیوضات شفا هیه کلماتت را منع فرمودی فیوضات  
 غیبیه روحانیه را از ان کن پاک یزدانها متضرع بدرگاه احدیتند بفریاد رس و  
 مهمل باب حضرت احدیتند مجا و پناهی بخش توئی مقدر و مهربان توئی

توانا در جمن ع ع

هوائه

ای پروردگار این یاران را بنواز و باش عشق بگذار و بر ابرت و مساز و نماز  
 ملکوت ابیایت را یگان کن و رحمت انقی اعلایت شایان فرما زیر انجذاب

جمال نورانیند وزنده از نفس حمانی سبز چمن زار تحقیقتند و شکوفه بوستان  
 معرفت آواره تواند و بیچاره توافاده تواند و دل داده تو در ظل جناح احدیت

از امتحانات شدید و محظ فرما و در پناه رحمانیت از حوادث زمانه محروس

دار توئی مقدر و توانا و توئی حاضر و بینا ع ع

### هو الاهی

... دست تفرغ بملکوت اسی بلند است و سان اقبال در زری و التماس که اسی

پروردگار این بیچارگان را چاره بخشد این در ماندگان را در مانی عطا فرما و این

بی نوائان افضل و احسانی عطا فرما این نفوس ضعیفه را در پناه حضرت

پناهی ده و این نصیران نجیف را قوتی عنایت فرما ع ع

## هو الاهی

الہی الہی ہوا و نفوس استظفوا فی ظل رحمتک و انجذبوا بسفحات  
 قدسک و اتقدوا بالنار الموقدۃ فی سدرۃ فردائیک و توجهوا الی ملکوت  
 احدیتک و اہتلوا الی جبروت و حدایتک امی رب عالمہم بفضلک فی  
 جمیع الشئون و اشہر علیہم لواد الالطاف و الاحسان یا ربی کجھون انما انت الکریم  
 اللطیف الحق الصوم

امی یاران سن درینہ کمال عجز و زاری باستان مقدس ملکوت الہی متضرع و متہلم کہ  
 امی یگانہ مولایم و امی مہربان و انایم این دوستان حقیقی را از ابرق حق محسوم  
 ہوشان و این یاران معنوی را از آثار تجلی انوار کشایشی بخش و بر عبودیت

درگاه چون عبدالباقی مستقیم و ما انک انت المقدر العزیز الوهاب ع ع

### هوائیه

ای پروردگار این مشتاقان آشفته روی تو اند و سرگشته کوی تو و متوجه کوی  
 تو و عاشقان خمی و بجوی تو این نفوس مبارک را در جهان ملکوت بر سر رخسار  
 استقرار ده و ایل حلیل مواهب کلیه بر سر نه تا در جهان بلا سر فرار کردند و بانغمه و  
 بکرازه الطاف پردازند توئی مقدر و توانا توئی دهنده و بخشنده و مینا  
 انت اکبریم العظیم المتعال ع ع

### اوست درخنده و تابان

ای خداوند این بنده مستمند را در درگاه خداوندیت ارجمند نما و این قاصد

سپاره را بزند و دانشمند فرما و لش را دریا کن و جانش را بدم جهان بلا همرا  
 سرودش هم آواز مرغ پر خردش تا چون پرندگان گلشن آسمانی بنالد و چون  
 سرو آواز او در جو بیار خوش برودانی بنالد و آسایش یابد ع ع

### هوالابی

ای مآله توجیه ملکوت صدق ابی نماند بگو ای مقصود من فی الوجود ای معبود  
 من فی الغیب و الشهود کنیز ناچیزی را عزیز نما و در هر چیز تمیز بخش و شور انگیز نما  
 تا در سبیل عزیز مصر بقایوسف ملکوت حال ابهت جان ایگان فدایا  
 و در استیاق رویت بلالت نفیحه قدس خویت بگویت شتاب و رخ از بگانه  
 بباد و بگانه بپرست توئی مقدر و توانا ع ع

## هو الاهی

ای پروردگار توئی آمرزگار و مبخا و پناه هر گنهگار بیچارگانیم چاره بخش  
 در دستانیم در مانی عطا فرما بی سر و سامانیم مبخا و پناهی ده بگشتگانیم بدگاه  
 هدایت فرما آوارگانیم منزل ما دانی عطا فرما توئی مهربان توئی رحمن  
 توئی منان توئی مستعان ع ع

## هو الله

ربی و ملاذمی و لمحیی و مهربی و مناصی قدیمت الیک ایادی التضرع  
 و التذل و التسل معتمد علی حضرتہ رحمانتیک متوسلین بیل ردا و ردا  
 طالباً اطلاقک و صونک و نصرتہ جنودک و نجاتہ جیوشک من افواج  
 نکتہ



مملوئكم وكتاب سكان جبروتكم لعبادك الذين اخلصوا وجوههم لوجهك  
 الكريم وهدوا الى صراطك المستقيم وسلکوا في مشيخك القويم واشتعلوا بالنار  
 المتسفرة في البقعة المباركة بنورك المسير اي رب هؤلاء عبادا وادوا الى  
 رحمتك وهدوا على نزل حضرت فرديتكم ووردوا على موارد العذبة  
 الفرات من معين جناتك استظنوا في ظلال سدره موعبتكم والجموا الى  
 الكنف المنيع والملاذ الرفيع اي رب اجعلهم ايمانك الساهرة في بلادك  
 وراياتك النخاضة على رؤس عبادك وسامك النافذة في صدور اعدائكم  
 وسيوفك الشاهرة الالامعة في معاصم الاحتجاج مع شائكم واطلق لسانهم  
 بذكرك وشائكم واطعمهم بحجبتكم وبرائكم واجعلهم دلائل يوم ظهورك ووسائل

مَلُوكٌ اجْعَلْ لِمَنْ لَسَانَ صَدَقَ فِي الْاٰخِرِيْنَ ع ع

### بہوانہ

ای پروردگار این جمع را منظر عواطفِ حمایتیہ فرما و مطالع الطافِ سبحانیہ

نما از بحر بی کران سیراب کن و از آفتاب مطلع حقیقت روشن و تابان نما

نفی بخشش کہ انوارش در صبح ابدی منتشر عنایتی کن کہ آثارش در ملک

سرمی شہرت توئی مقدر و توانا و توئی بخشندہ مہربان اے انت الکریم <sup>عل</sup>

ع ع

### ہوالاہی

ای شتاقِ جمال فدو اجمال در شب و روز کمال عجز و نیاز بدرگاہ حضرت بی نیاز تضرع مینمائیم کہ

ای پروردگار مہربان دوستانِ ادرسون حمایت خویش محفوظ و در دوزخ

دیش بزار کن از کون امکان و آیش کوان مستطع فرما و بنجات لامکان زنده و سرد  
ع ع

### هوالمه

الهی الی انی کل تضرع و توجه و تدلل و تمل انا حیك بسانی و جنانی و حی  
و سیرتی و ضمیری و فزادی و آهل ایک ان تقدرا عظم الآمال و فضل الاعمال  
و العزّة و الکمال و المویته و ابحال و الصلاح و النجاح لهذه العائله التي همت  
الی طلبک تطلیل عند سطوع مسجک المبین و سرعت الی ملازک الرضیع و اود  
الی کفک المنیع لبث لندائم و قبلت اعتابک و اشتغلت بنار محبتک  
انجذبت بنجات قدسک و لم تزل خادمه لامرک ساجده لطلبک صده  
فی طلبک قد اشتهرت باسمک بین خلقک و نودیت بکرمک بین عبادک

الهی الٰہی عزیزاً عزیزت القدیمة و مجدداً فی ملکوتک بحلیل و انجد با بحمود و مہبتک

فی ہذا الیوم العظیم رب رب ارفع رایتها و زد فی حمایتها و انشر آثارها و زد فی

انوارها حتی تلون زجاجة لسراج مواہبک و عشو الاطراف مواہبک

رب رب انسا فی حشمتها و ادركما فی کربتها و اورثها کتابک و اکل

علیہا نعمک و الاک انک انت القوی المقتدر العزیز اللطیف و انک

انت الرحمن الرحیم ع ع

ہو الابی

خدایا این طیر صدیقہ عرفان را بال پری عطا فرما و این پروانہ شمع محبت را

قرب و منزلتی احسان کن این سرگشته صحرای عشق را بخلو سخانہ عنایت

دلالت نادر این شنبه بادیه حیران ایسر ظاهر و حافی کلبان این بنده قدیم  
را ندیم بزم الطاف کن و این قمر مسکین انبای حسیستی مستقی کروان ع

### هو الابی

الهی الی هو لا نفوس خضعت اعناقهم لسلطنتک و خضعت اصواتهم  
عظمتک و انشرح صدورهم بایات توحیدک و انجذبت قلوبهم بنفحات  
قدسک رب ایدهم بتأییدک و تقم توفیقاتک و انزل علیهم برکتک  
عذک انک انت المقدر العزیز المہین القیوم عبد البہار عباس

### هو الابی

ای پروردگار این بنده در مانده را در کف غیبت تادی ده در ملاذرت  
غیبت

مسکن بخش شمع روشنی در قلبش برافروزد چمنه بیسیلی از دلش جاری کن  
 ابواب فیض بر رخسار گشاد اسرار غیب بفرودش الهام فرما توئی نصیر تویی  
 ظمیر تویی محیر تویی دستگیر چون تو پر داریم از همه چیز آزادیم چون پیمان  
 و ایمان تو ثابت استواریم از غیر تو سزاواریم پروردگار رحیمی کن استقامت بخش  
 ع ع

هو الله

اللهم یا الهی و محبوبی هو الله عبادک الذین سمعوا نداءک و لبوا لخطابک و اجابوا  
 دعائک و آمنوا بآیاتک و اتوا بحجتک و اذعنوا لبرهانک  
 و سلکوا فی سبیلک و اتبعوا اولیک و اطلعوا باسرارک و ادرکوا رموز کتابک  
 و اشارات صحائفک و بشا زبرک و الواحک و مشکوا بدیل ردائک

و تشبوا با بهاب انوار کبریایک و ثبتت اقدام علی حمدک در سخت قلوبهم  
 علی میثاقک ای رب انصرم فی قلوبهم نار الا انجد اب طیرنی حدائق  
 صدورهم طیور العرفان و غرد فی ریاض نفوسهم درق المحبته بایده الاعمال و الا  
 جعلهم آیات محکمات و آیات مشهرات و کلمات ثبات و اهل بهم امرک  
 و ارفع بهم اعلامک و اشهر بهم امارک و انصر بهم کلماتک و اشد بهم ازبا جنگ  
 و انظم ثباتک و اهمم القیام علی مرضاتک و نور وجوههم فی ملکوتک  
 و تم سدورهم بتاییدهم علی نصره امرک ای رب سخن ضعیف تو ما علی شرفی  
 تقدیریک و فقرا و اقصا من خزان تو حیدک و راه البسما من قطع طرک  
 خطاه و اغفر لنا و نوبنا بفضلک و جودک و خیراتک انک انت المودع المودع

العزیز القوی العزیز ع ع

هو الله

... ای اشفکان روی دلبر حقیقی دای شیفکان روی یوسف عافی توجیه ملکوت سبحانی

فرمانید و بگویند بسدائید و مناجات کنید

ای دلبرای ای محبوب یکتا دل از هر دو جهان برداشتم چون علم محبت

برداشتیم رخ از عالم و عالمیان باقیم چون روی دجوی تو یا قسیم چشم غیر

تو برستیم چون بحال تو کشویم ای معشوق حقیقی بر روی درد لها اکلن و حلوه ای

قلوب بنما از هر قیدی آزاده کردیم و کلی گرفتار تو شویم شعله مشتاق کردیم

و نجوم باز غدا مطلع اشراق آیات توحید گردید و انوار ملکوت تجرید نیاس



جی شوید و منابع تقی و طاقت فاعلی قسم ای پروردگار تاییه ای آموزگار

یامزای غفور متفور کن ع ع

### هو الاهی

... پس بشکرانه الطاف جل ای سپردار و بگو ای دلبر کتا ای محبوب بیستا

شکر ترا که این بیچاره آواره را بجمع عنایات و الطاف منتور و قباهی فرمودی

و در ظل ممد و دشمره انیسامومی بخشیدی ع ع

### هو الله

ای پروردگار تایی بخش و توفیق عنایت کن این ابر تیره راز ازل کن

این غلام باطل را متلاشی و باطل نسیم جان بخش بوزان و دل های مرد را

زنده کن باران رحمتی یارو این گیاد افسرده را تر و تازه نما حدائق قلنو

را جنت ابھی کن و حقایق نفس را ریاض طلاء علی امی قدیر جای

این عبد بپذیر توئی توانا توئی بہتیا ع ع

### ہو الابی

الہی الہی ہذا عبد توجہ الی ملکوتِ حنائتک و توکل الی جبروتِ فردائتک

و استانس بالنار الموقدۃ فی سدرۃ و حدائتک و احتیاب روح المناجات فی

ظل کلمۃ ربائتک ای رب ثبت قدمہ علی امرک و اشرح صدہ

بنورک و بشر روحہ بفتوحک و انشرہ بذكرک و اطعمہ ببنائک و البسہ ردا <sup>مخلو</sup>

فی امرک و ادخلہ فی جنۃ <sup>مخلو</sup> و بلطعمک انک انت المقتدر الزوف الکریم <sup>مخلو</sup>

### هوائے

... دست تضرع و اہتال بملکوت ذوالجلال بمنذنا و بگو خدا یا ترا سکر باو کہ این سگان  
 را اسنای خویش نمودی و این بیچارہ را بہ پناہ خود راہ دادی تشنہ جان  
 را آب حیات بخشیدی و ماہی لب تشنہ را بذب فوات در آوردی  
 لک الحمد علی ذلک انک انت الکریم الرحیم الوہاب ع ع

### هوائے

آسی و مولیٰ عند لہنی و مجاہی و مہربانی عند اضطرابی و ملاذی و معاذی  
 عند اضطرابی و انیس فی وحشتی و سلوتی فی کربتی و حلیمی فی غربتی  
 و کاشف غمتی و عاف وجوبی انی اتوجه الیک بکلیتی و اتضرع الیک

بحيمى كعنوتى وهويتى وجانى ولسانى ان تحفظى عن كل شأن يخالف  
 رضاك فى دور فردانيتك لظرفى من كل وضير معنى عن التزير والتفديس  
 فى ظل شجرة رحمتك رب ارحم الضعيف واشف العليل وارواى لعليل  
 واشرح صدورنا اشقت فيها ما محبتك واضطرم فيها لبيب عسقت  
 وشوكت والبس سايل التوحيد حل التقديس وتوحى باكليل مواهبك ونور  
 وجهى بضياء شمس مراحمك ووقنى على خدمه عبده قدسك اطلاق قلبى بحبه  
 خلقت واجعلنى آية رحمتك وسمه عنايتك وموقعا على التاليف بين  
 احسنت خالصا لوجهك وناطعا بذكرك وناسيا لسونى ومتذكرا لشؤنا  
 رب رب لا تقطع عنى نعمات عفوكم وفضلكم ولا تحرمنى عن معين عوكم

وجودك وخطي في ظل جناح حمايتك وارعني بعين حمايتك واطمئني بثباتك

من بيتك حتى يرتفع بصحبي في المحافل العليا ويخبر من فمي ذكرك انحداً

اليسول من الاطلال انك انت الكريم المتعال و انت العزيز القدير  
ع ع

هو الله

حك

ربي وتهي ابي وغاية رجائي اني ارجوك متضرعاً الى عتبتك السامية و

المقدسة العالمة ورجعتك الواسعة الفضارة ان تؤيد هذا العبد على القيام

على الندابا من الملأ والاستغاثة الى ملكوتك الاعلى انك انت المؤيد

لمن تشاء و انت المعطي الرحيم ع ع

## هوائه

الهي آلى جنوا لعباد توجهوا الى ملكوت حاميته وتعلقوا بابواب رواد

فروايتها اخلصوا وجوههم بحالك آمنوا بطلعه وحاديتها وكلمه ربانيتها

«المنطقه الاولى والعلية الاعلى» الذي شبر من في الارض والسماء بطورك <sup>عظم</sup> الا

شمس حقيقتك الثورار واشتعلوا بالنار الموقدة في سدره السينار وسمعوا <sup>لنداء</sup>

المرتفع في البقعة المباركة وادى طوى من جالك الابنى وتمسكوا بالعروة <sup>لغنى</sup>

«الاية الكبرى» عياك العظيم الذي يمتوج اعلامه على الصرح المشيد في هذا <sup>لغنى</sup>

العلمى اى رب ايدهم بشيد القوى والنصرهم بجنود مجتدة في الملا <sup>على</sup>

وانزل عليهم ملائكة التأييد تسمى واشد واروهم بقوة حمدك يا ذا العطا <sup>ثبت</sup>

اقدام و قو ظهورم بتاییدک یارب السموات العلی انک انت المقدر علی

ماشاء و انک علی کل شیء قدير ع ع

هو الاهی

ای فدای مهربان این نوکل گلستان محبت را از ششم عنایت تر

و تازه بفرما و این تازه نهال بوستان هدایت را بر بیت باغبان احدیت

پرورش ده و این شاخ سبز را در گلشن الطاف مزین بسکوفه و برگ کن دریا

در دانه معرفت را در آغوش صدف رحمت سپور ای خداوند هر ستمند را

تو اگر نما و هر دردمندی را در بان بخش هر فقیری را بکنج روان دلالت کن

و هر اسیری را از بنجر قیود آزادی بخش توئی توانا و مینا و آگاه و شنوا مینا احسان

## هو الله

يا الهى ومحبوبى ومقصودى ومطلوبى ترانى مناجيا فى الايام والليالى متضرعا  
 اليك تعلقى لسانى ومهدلا الى ملكوتك بروح منجذب الى ملكوتك الربانى  
 ان تؤيد الذين سمعوا النداء ولبنوا الدعاء وانجذبوا الى ملكوتك الاعلى واسمعوا  
 بالنار الموقدة فى سدره سينا ووجهوا وجوههم اليك بين الورى ورتلوا  
 آيات الهدى بين ملائكة النصارى ونطقوا بالنصارى ورفعوا راية التقوى وسرعوا الى  
 مشهد الفداء بقلوب خائفة باسحبت الولاة واقاموا الحج والبرهان من خلعتك  
 على اثبات امرك بقوة ارتعدت فرائص اولى النهى رب اجعل هؤلاء مصابيح  
 الدجى ومفاتيح ابواب السما ورايات الكلمة العليا وآيات الكتاب المبين فى



زبر الاولین و صحف الاخرین حتی یتوکلوا علیک و یسرعوا الیک و یتمنوا الشہادۃ

بین یدیک اُمک انت الکریم اُمک انت العظیم اُمک انت الرحمن الرحیم

ع ع

### ہوائے

... پس توجہ بملکوتِ اہیٰ کن دستِ بیدتِ اعلیٰ و بگو پاک یزدانا تا سیدی بخش

و توفیقی عنایت فرما تا یگانہ و خویش فراموش کنیم و از سر ذکر می خاموش

گردیم و از سائِم ریاض تقدست بچوش و حروش آئیم ای پروردگار بندہ

خویش آیتی باہرہ فرما و ای شستہ و نجی بازغ کن و کولبی بارق ہر در را

درمان کن و ہر زخمی را مرہم لطف و احسان ہر جمعی را شمع روشن کن و

در ہر زخمی طوطی خوش سخن ع ع

## هوائه

الهى الهى ترانى مهتلا الى ساهبار رحمانيتك و متضرعا الى علا مقام ربوبيتك  
 و تمسبا بقبة قدس الوهيتك و راجيا كحضرة احديتك ان تؤيد عبدك الكذبي  
 ناجاك بجماع قلبه فى حتمى سره و على جبهه طالب مرضاتك متمنيا رضاك متحبا  
 بنا محمدك قبلنا بنور معرفتك متلججا كالبحار بذكرك و متموجا كالطمطمام الزخار  
 بنعتك عند ما مرع جبينه بتراب حضرة قدسك و عفر وجهه بفضا عفتة انيك  
 و نور بصره بشاهدة آياتك و تظلم مشامه بنفحات عفتت من البقعة المباركة و ان  
 روح نفحات تنفست من الروضة المقدسة و رجع منك اليك و توكل عليك  
 و تضرع لذكرك ان تؤيد عين الرجوع على اعلا لوار الوهيتك على اعلى الالطال

وشر شراع امرک فی سفن الشجاء والسعی البلیغ والجهد العظیم فی سطوع النوارک  
 عن مطلع الکائنات و اشتراکک العلیا من الوری ای رب ہی دلہ  
 من امر و رشداً و سیرلہ ما یرضی و تمنی و انطق لسانہ بالثناء و الهم قلبہ باسرارک  
 المودعہ فی حقائق الاشیاء و اجعلہ رایہ من آیاتک و آیہ من آیاتک و منی  
 من معانی کتابک المسطور و سر من اسرارک فی الرق لمشور و اللوح المحفوظ ع

### ہو الابی الابی

پروردگارا! امرزگارا! چگونه زبان بستایست گشایم و پرستش و نیایش بنام  
 تقریر عن تقصیر است و تحریر دلیل نادانی در این امر سیر زبان الی است مرز  
 عناصر صوت و بیان عرضی است از عوارض بآلت عنصری و صوت

عارضی چگونه توان نعت و ستایش حضرت بیچون گفتم آنچه گویم و جویم از  
 مددکات عالم انسانی است و رحمت اجاطه عالم بشری نتایج فکریه چگونه میآید  
 البته رسد و عنکبوت او دام چگونه بلعاب طنون و افهام بر زلف تقدیس  
 جز بیان عمر چاره ای نه و غیر از اعتراف بقصور بهانه ای نیست تو غنی متعالی  
 مددس از ادراک حصول اهل کمال ع... ع... ع

### هو الاهی

ای پروردگار مرغان پر ایم ولی در پناه تو آشیانه نمودیم طیور خاکساریم  
 ولی او کار اقدار جویم ولی پر دبالیم ولی اوج عظیم طلسم و زلف اعلیٰ آرزویم  
 پس عنایتی مبدول فرما و قوتی بخش تا جناح فلاح برویایم و در این فضا می

غیر متناہی آخاز پر وار کنیم و بکلمت ابہایت و مساز گردیم... مع مع

ہو اللہ

اللہم یا الہی وربی و منائی و نوری و بہائی و لمحنی و رجائی قد تحیرت فی  
 ذلک و شاک و احترت فی تمجیدک و تقدیک کلمات العاج الی سمو  
 الادراک و اتصاعد الی علو الاکشاف اری نفسی عاجزہ عن ادراک کئیات  
 من آیات کلیف ہویۃ ذاتک و حقیقۃ اسمک و صفاتک و العو  
 اذ اعجزت یا الہی عن عرفان لمعہ من شہاب متشع فی فضاء اشاک  
 کلیف تطیع ان بذرک کینونہ الشمس مع لہور اشارہ الزاہرہ للعقول فی  
 و النفوس اذ اذہبت عن ادراک قطرہ من بحر اسرارک کلیف الاکتفاء

في الاكتشاف عن محيط النوارك وبيضا امارك فالعقول ما اليها في اعلمة والنسوة  
 يا محبوبي حائرة وطيور الارواح ائمة وصقور الافهام قاصرة عن الطيران في اوج  
 وحدانيتك وعرفان آية من آيات احديتك واني لهذا الضيف عند  
 هذا الخطب الجسيم واني لهذا الكليل النطق والبيان البليغ مالي الا ان الكلب بوجهي  
 على مقبة رحمتك و امرغ جفني براب جبهه فزادنيك واول ربنا  
 اورك عبدك المتضرع الى باب احديتك المكسر الى حضرة ربوبيتك انصاع  
 للهور الوهيتك الكاشع سلطان حانيتك الذي احررت بحبك واهتمية ذكر  
 وارتضيت له حمدك وثناءك ربنا ربنا اسمع نداك عند تلميح  
 احديتك ولبى بخطابك عند تلميح عباب مطام موهبتك وامن بك يا

عند سطوع فجر العرفان وخص لسلطانك عند شروق انوار الايقان قبل الى

جمالك الاعلى عند بزوع نور الهدى وادخل كل بلاد في موطنه من شدة الاعداء

من

الى ان يحم عليه الله انحصار حبه لطاعتك النور انما اضطرا الى الهجرة والسجود الى

الطف فتمل كل كرب وبلاد حتى وصل الى بقعة كربلاء ارض احمرت بما مطرة من

الاصفياء وتعطرا رجاها بنجات رائحة طيبة امتشرت من ثمار سيد الشهداء

مكث يا الهى برية من الزمان واذنه من الاحيان فاقل الى انوار وجهك

الساطة من جمال الابهى اقبس نار الهدى من الشجرة المباركة التي اصداها

ووعاني السواد اشبع ندامك بلبية يا حجت بها يا محبتك في الكبد والاحشاء

وسرع الى عبتك العليا وقام على خدمتك بكل القوى وادرك بحضور عينيك

في الزوراء وهو يا محبوبي موصل الشجر لا ياتك من الغداة الى العشاء ويتقلبتك

ويتفرع الى باب حانتيك ويدعو لكل الى جمال احديتك الى ان باجرت

يا محبوبي بتقدير منك من تلك البقاع النوراء الى المدينة الكبرى ومنها الى ارض

السر الشاسعة الارحاج ومنها الى يذة البقعة المباركة التي اتميت عليها في الزبر

والالواح فوقع ذلك الحجر كحليل اسيراً من الزوراء الى اكدبار وقاسى في

الدهاية الدهاء والبليته العظمى وكان في خلال الاسر سلوة لقلوب الاحباب وما

لالواحك المرسله الى كل الانحاء ثم حضر يا مناني باذنتك الى هذا السجن الذي

شاع وداع ذكره باحسن الانباء بين الوريين واستجار في جوار تربك اللادوني متمنياً

فضلك اللادوني واشتمل بخدمة امرك بكل تهنه عليا وكان يحير ايامك في الصباح



والمسا حتى كلفت عيناؤا ارتحفت انامله بما وهن عظمه وبلغ من العمر عدتيا فلم يقتر  
 يا الهى رسته عين عن خدمتك لم يتاوان يا محبوبى طرفه طرف فى عبودتك  
 وعبدك بكل انتطاع وانما سارا الى عظمه جلالك وانجذاب الى ملكوت حماك  
 وقضى ايامه فى نشر نجاتك واعلاء كلمتك واقامة برهانك بيان حجتك الباقية  
 وقد رمتك الدامنة وعزتك الباهرة وعظمتك الزاهرة حتى اشهر فى الافاق  
 بالالفة والوفاق واقباس انوار الاشراف فى يوم الميثاق فاشتاقت الى  
 ملكوت الابى ورفعتك الاعلى وقال ادركنى يا بهاء الابى واجزنى يا  
 واجزنى فى جوار حجتك الكبرى واسقنى الكأس الطافه بصهبل اللعاب وطيرنى  
 الى ذكرى الله فى الفردوس الاعلى فى حبتك الابى فاجبت له الدعاء

وسمحت بما ناجی فی حیح الیالی الظلماء وارجتہ الیک بوجہ مستبشر بنور انفس  
 و العطاء رب رب اکرم له المشوی و اجزل له التدی و ادخله مدخل صدق  
 و ازله منزلاً مبارکاً فی مشهد اللعاب حتی یتفتح بمشاهده انوار طلعتک الزهراء  
 السرد الادی لیس له انتہاء و وفق الذین کل احد منهم قرۃ لعینہ و فلدہ من کبدہ  
 علی ان یقفوا اثرہ من بعدہ انک انت الکریم الرحیم الوهاب و انک انت

الغریز القدر المستعان ع ع

هوانہ

ای پروردگار ای کردگار ماکنہ کارم و تو آمرزگار و ما مقصیریم و تو بزرگوار هر چند  
 عصیان مانند دریای بی پایان ولی عفو و عطران تو اعظم از آن چون نور  
 بخششت

بد شد ظلمات عصیان هر چند تاریک و حالک باشد ظل زایل گردد و چون بار طهور  
 از ملکوتت ای رب غفور نازل شود او ساخ خطا هر چند عظیم باشد مفقود گردد و سینه  
 بدل بجنات موفور شود ای خداوند این بنده مستمند را با وج بلند برسان  
 و این عبد مسکین را در درگاه احدیت پناه ده هر چند پرگناهیم در جوار رحمت کبری  
 ماوی بخشش زیرا تو بخشنده و مهربانی و غفور و خفور بر اهل جهان آنچه سزاوار رحمت  
 است شایان فرما و آنچه لایق عنایت است مبدول دار توئی رحمن یاری

یزدان توئی حنان توئی منان ع ع

بخواند

ای پروردگار عاشقان را از بلا ساغر لبریز در کام ریخته شتاقان را در زاهد محبت

زمر شهد کن و نوش نمیش نما سر بار از فیت سان کن و دلها را به فسم  
 بی امان فرما این جان پر مرده را در سبیل فدا زنده فرما و این قلب افسرده را  
 بکاس جناب طراوت و لطافت بخش مد هموش جام الست کن و سرست  
 پیما به بست فرما بجانقشانی مؤید فرما و بقربانی موفق کن تونی مقصد  
 و توانا و تونی و انا و میا و شنوا ع ع

### هو الله

الحمد لله الذي كمل لي كماله و ظهر لي عظمته جلالة و اشرق بنور وجهه و لاج مضيقا طلعت  
 و نور الكائنات بطلوع صبح صفاته فانصت الطوريون في سيناء الامر و  
 تحيرت الربيون في بقعة العرس و خردوا منشيا و انصت الراحمون

ثم افاقوا وقالوا سبحانك اننا كنا اليك و انك انت التواب الرحيم اى  
 رب كسفت العطار، والقيت القناع و تجليت على كل الاقطاع و نورت الارباح  
 و فحمت منا البصار و الابصار و رزقنا ما شابه تلك الانوار و سققت منا الاذنان  
 و اسمعنا ذاك بالسر و الاجار و شرحت منا الصدور و مهلت لنا عن سحر  
 امرك المستور و اوقدت فى زجاجات القلوب مصباح النور و فحمت المستضعفين  
 من خفض الدل و الهوان الى اوج العرفان و جعلتهم ائمة و جعلتهم الوارثين و الهباء  
 الساطع اللامع الباهر من ملكوت الابن تعشى و جعل السدرة المنتهى و المسجد الاقصى  
 و الهيكل المكرم الذى خضع بسلاطه السلطة الكبرى و ذلت الرقاب لظلمته  
 و عنيت الوجوه لهدية التي احاطت الارض و السماء ع ع

## هو الله

آلى ذابهل تفرح الى ملكوت تقديك وتشبت بذيل ردا كبرياك  
 واستطف من عظيم علائك ان تجعله شمو لا بعواطف مانيتك مستفرقا في  
 بحار وحدانيتك ومطائر انى اوج احسانك آلى سيره منا بحودك وفضلك  
 ح ع

## هو الله

آلى آلى هو لا عبادك الاقبيار دار قائم الاصفيا عبده عبتك المقدر  
 الرحمانية ونخصه خضرتك الربانية وشعه جلال ربوبيتك السجانية والرحم  
 الباهرة والسجد لعدرك العاهرة رب انهم آمنوا بنورك المبين الساطع من  
 الاق المنيروا شعلوا بنا بحبتك بنفشات روح القدس بين العالمين

رب اید ہم علی عبودتہ سدر تک المقدستہ عن اودام المبطلمین و جعلہم بائین  
 علی ویک المبین و تقسیم فی امرک بین العالمین لا ترزع عنہم اودام النیام  
 ولازلزلہم سطوۃ الظالمین بل تتہلل و جوہم فی نیران الامتحان کعادون الکریمۃ  
 الفضیۃ والعقبان رب جعلہم صوراً نورانیۃ و میاہل حمانیۃ و آیات سبحانیۃ  
 و اشجاراً لاسقہ فی جنتہ الابیہ انک انت المقدر علی ما تشار و انک انت القوی <sup>القدر</sup>  
 ع ع

### ہو الابی

خداوند پاک و مقدس دبی نیاز و منتہی این بندہ بیچارہ را در پناہ حضرت  
 احدیت مجاہد پناہ بخش و در ظل سدرہ بی منہایت مسکن و ماوی حیات

کن ع ع

## هوائه

اللهم يا حازب القلوب بمناطيس المحبة الفائضة على الوجود ومحبي العظم الكريم  
 بروح منقشة للافئدة والنفوس المشرق بنور القديم على آفاق الاكوان والمعطى

كل شيء نصيباً من رحمة الواسعة المحيطة بالامكان انى ادعوك وارجوك

ان تنظر الى عبدك ولى بهماطين حمايتك انحنى وشمله بالطفاف

فيضك اسبغى وتجدد كوكباً مستلاً فى تلك السحالى العذوة القصوى الالهية

الثامنة الارجاء انك انت لكريم الرحيم الوهاب لا اله الا انت المقدم الغفور  
 ع ع

## هوائه

الهي الهى هذا عبدك المنجذب الى جمالك الابهى المتوقد القلب بنار محبتك



بين الياء المنهرا مع بذكرك في جمع اليا الى اليا المنصرف الصبر لوجه جالك اليا  
 المستبشر الوجه برحمتك الكبرى المنشرح الصدر بايات توحيدك بين اليا  
 المنعرب في الغرب تاركا الوطن الا على العمل العناء في سبيلك يا ربى الا على  
 رب انترك الراحة والرخاء والرّف والرّفه واسكون القرار وصرح الي  
 ملك العدة والقصى ارضنا لم تطه ارجل اجداده والابا نشر النعمات  
 رضا اليا ملك اعلا لكلماتك ايضا حاليتنا ملك رب رب اجداتنا  
 موهبتك وراية معرفتك ونازحتك وسمعتك مؤيدا املا ملك موقفا  
 بعونك ورحمتك مصونا بحفظك وحمايتك محفوظا بحفظك وكلماتك  
 حتى تنشر اثارك في ملك الارباب ويلوح انوارك في ملك الاسما ويصل يدك

الى آذان اهل الوفا، ويله برأيتك لئلا انشا، وكل شئ بيدك لا تملك  
 لانفسنا تصاد ولا نصرا ولا حياة ولا نورا امي ربنا انما ضغنا قونا بفضلك  
 وحرارة احنا بجزوك وعجزنا انجدنا بجزوك وكرمنا بشارك واموات احينا  
 بروحك تؤيد من تشار وتوفق من تشار وتعلم من تشار وتناطق من تشار  
 وتصر من تشار وتؤيد من تشار بما تشار انك انت القوي المقدر المتعال  
 ع ع

### هُوَ اللهُ

الهي الهمي تراني سحيرا كلفك المنيع وطعنا بلا ذك الرفيع ولا نذا  
 ذكك الشديده مستغرفا الى ظلمك بابل ان تقدر لعبادك الصبر بحمل  
 على المصائب والبلايا والهمن والرزيا في سبيلك استقيم رب تبت قلوبهم

وایدنوسم در کز اقدام تو اجسامم حتی تحملواکل بلاد فی حبیب و یعاد مواجم

حیث یترزع منه اجمال و یرزل به الاقدام رب ادرك عبدک الذی لا

ناظر الی شطر جانیتک طہبانہ محبتک مسجد باسفات رحمتک

مستخیا بخصرہ فردایتک مستحیر الی باب احدیتک ناطقا بجانک

شائعا الی جمال بہانک مشغولا بذکرک فالوفاء بقباس انوارک کاشفا

لا سرارک انک انت القوی المقدر العزیز القیوم

ای ثابت پریمان خوش باش مطمئن باش کہ مقرب درگاہ حضرت بی نیازی و مورد

الطاف جمال اہی عون عنایتش بہم است الطاف بی نهایتش شامل و بہم

عمیم است و لغزش قدیم این عبد در کمال مجرور ذاری بدگوش بقرار میسنماید کہ

ای یار مهربان و مونس دل جان آن آشنار از یگانگان حفظ و حمایت فرما

و سبب آتش نور هدایت کن مظهر موهبت نما و موفقت عطا فرما تا بهت

پروا رود و بیبودت شباهت توئی مقدر و توانا و توئی بخشنده و دهننده و تابنده و پرورنده

ع ع

### هوائیه

رب و ربانی و مجیری و مغنشی و مأمنی و ملاذی ان هولا عباد قد سمعوا لند

ولتوالله عار و آمنوا بحالک الاعلی و انجدوا الی ملکوتک الاهی و اقتبسوا نار الهدی

من سدره السینا و تحلوا کل مشقه و بلاه و تجلده و انی الباسا و الضرار و صبروا

علی التجرع من کاس علقم من ایادی الاعداء حیاً بحالک و خضوعاً بحالک

و شففاً بحبک و دوامانی ذکرک و طلباً لرضائک و رضا بقضائک رب انعم

تتكلموا كل ذلة في سبيلك فاجعلهم اعزاد في ملكوتك وصبروا على كل مشقة في حجب  
 فارتقم الراحة والمسترة في ساحة قدسك وقوا تحت شامة الأعداء وطلامة الزنا  
 فاجعلهم آيات عزتك بين الوري حتى يعظم الكبرياء ويحسد سم العظام ويترك تبرا  
 اقدمهم كل من يشي على بساط العبراء وايدهم تبليغ امرك وشر نعماتك وعلاء  
 كلمتك انك انت المقدر العزيز الوهاب ع ع

### هو الابهى

رب رجائي هذا عبدك الذي خضع لملك سلطان احديتك وفتح خضرة  
 وحدانيتك آمن بحال فردانيتك واهل الى ملكوت صمدانيتك اى  
 اجب دعائه ويسر اماله واسمح له رجائه واعط مناته واشرح صدره وفرج قلبه

واجده متبشر ایشار اتمک و متهز ایشماکک و حیانبسام حقائق اسرارک

اتمک انت الکریم المنان عبدالبهار ع

هو الله

... فداین دم که همدم باد یار اتم و مشغول بذکر دوستان قلب الطافی و روح را بشدنی

و بنایت مجرور نیار بدگاه احدیت لایه دزاری نیایم که ای جمال قدیم و رب کریم

یاران پر فورانند و دوستان عاکف آستان کل توجه بکومی تو دازند و آرزوی

مشاهده روی تو صادقند و صابر متوجهند و ناظر جانفشانند و قربان دل سوخته

از آتش بهران در محل فکر مجتمعند و در مجمع انس متذکر ولی بازمانی گویا و کوشی

شنوا و چشمی بیسناد ولی لیریز بخت و وفا.

ای پروردگار بخونود غلامی نصرت نما و بحیوش ملائکه محبت و صفا افاضت  
 کن نعمات قدس بفرست و محافل انس معطر نما فیض قدیم بسز دل و آ  
 و نور عظیم شایان نما نور حقیقت جلوه ده دیده اهل بصیرت روشن کن  
 آهنگ ملکوت اسی گوش رسان و هر دلمنگ عالم ادنی را خوشوقت کن  
 بر رحمت بفرست باران موهبت بار چمن به ایت یارایا ریاضین معانی  
 انبات کن سلطان گل را تاج موهبت بر سر نه و طبلان و عانی را با بگوا  
 بخوان محتاج تو معانی تسلیم ده تویی پروردگار تویی کردگار تویی محلی طوره کشته انوار  
 ع ع

هوایه

ای دلبر مهربان این باران سرست عالم بپایند و در محبت سرگشته بولند

پیدا از وقت پر احرار قد و به شرافت در نهایت اشتیاق از ملکوت غیب

جهان پنهان بجلی عنایت نماند پر تو موهبت افشان هر دم فاضلی جدید هست

وفضلی بدیع پدید فرما ای پروردگار ما ما توانیم تو توانا مورثیم و توسلیمان

ملکوت اسی عنایتی فرما موهبتی بنما تا سعه فی زیم و لمسه فی نثار کنیم قوتی

بنمائیم و صدتی مهربانی داریم سبب نورانیت این جهان ظلمانی گردیم در حاکمیت

در این خاکدان فانی می نیایم و خود را بشوین فانیه نیایم بزم هدایت نیایم

و بخون خویش آیات محبت بنگاریم خوف و خطر بگذاریم شجره شکر شویم و در این

جهان بی بنیان سبب ظهور کلمات عالم انسان گردیم انک انت الکریم

الرحیم الغفور التواب ع ع



## هوائه

ای پروردگانی خدوید بیانشه شبه و گواه است که این آواره شب و روز بدگاه احدیت مجرّباً  
 میناید که امی پروردگار یار انرا کامگار کنی و بعبودیت همدم و مسافر فاقلو  
 را نورانی فرما و وجوه را رحمانی کن تا بنیان محبت و مهربانی در عالم انسانی تا  
 گردد و نوع شب بید بگره منقون و مهر پرور گردند شرق دست در آغوش غز  
 نماید فرنگ بی درنگ سبیل محبت پوید ترک تا جیک اهدم داند و  
 هم آغوش و مهربان شمر و کل ما هم در نهایت الفت و یگانگی معاشرت و مصا  
 نماید یگانگی نماید ذکر انعیار نشود و همه گرا اشنا و یار و غمگسار گردند امی پروردگا  
 این شب تا روز روشن فرما و این بغض و عداوت بین ظل ابا بنس و محبت

مبدل کن تا عالم آفرینش آسایش یابد و جهان پرغرور از عالم الهی نصیب نمود

جوید توئی مقدر توئی بخشنده و درخشنده و بینا ع ع

### هوائیه

ای یار پنهان ای مقصود و جهان ای محبوب مهربان این بیچارگان

ای عشق تواند و این بنیوایان ستمیر آستان هر شامی از فراق ناله کنند

و هر صبحی از هجوم اهل نفاق فریاد و فغان بر آرند و در هر درمی بغمی همدند و در هر

نفسی بطالم بد نفسی مبتلا با وجود این حمد تو را که چون اشکده پر شعله اند چون

مردان در میدان تاخته اند چون شکوفه سگفته اند و چون گل خندان و

شادمان پس ای مهربان این نفوس قدسیه را بتأییدات ملکوتیه

موفق فرما و این جانهای پاک را مطهر آیت لولا که کن انک انت الکریم

الرحمن الرؤف الرحیم ع ع

سجده قبل از طعام

هوایه

رب درجائی لک الحمد علی ما انزلت علینا هذه المائدة الروحانية و نسمة  
 الربانية و البرکة السماوية ربنا و قنا علی ان نطعم من هذه الطعام المملوئی حتی ید  
 جواهره اللطيفة فی اركان وجودنا الروحانية و تحصل بذلك القوة السماوية علی حد  
 امرک و یروج اثارک و یرمین کریمک باشجار باسقة و انية الطوف مسطرة لتغما  
 انک انت الکریم انک انت و فضل عظیم و انک انت الرحمن الرحیم

مناجات بعد الطعام

هو الله

ربِّ ورجائي لك الشكر على هذه النعماء ولك الحمد على هذه الموائد والآلاء

ربِّ ربِّ اعرج بنا الى ملكوتك واجلسنا على موائد لا يموت طعمنا

من مائدة لعائنك وادركنا بجلالة مشاهدتك جمالك لان هذا انتهى النسي والمنتهى

الكبري والعتية العظمى ربِّ ربِّ يسر لنا هذا انك انت الكريم الوهاب

وانك انت المعطي العزيز الرحيم ع ع

هو الله

ربِّي اني اهل الى ملكوتك وصدائيتك وجرورت فودائيتك ان تصون

ہا ہدیٰ فی ظل خطب و حمایت و تحفظ فی کتب عنایت و کلامتک و کلامتک انک انت الہدیٰ  
ع ع

## اللہ ابھی

ای طالب مقصد صدق توجہ بملکوت ابھی کن و تضرع بلا اعلیٰ کہ ای خدای پر عطا  
خطا پیش بخش و بخش ایگان و آمرش بی پامان مندول فرما چشمہ ابار باز  
و گوشہ ابار باز و مساز کن تا در این کو عظیم آیات توحید تجسم نماید و حقیقت  
تجربہ تحقیق نماید چہ کہ سر اوار این کو در نورانی حسین موبہت رحمانی است ع ع

## ہوائے

... پس شکرانہ این الطاف بی پامان دست تضرع و اہتال مرتفع نما و مناجات کن  
ای فریاد رس بی نوایان ای خداوند مہربان من چہ لیاقتی داشتم

که این بخش عظیم را شایان فرمودی این لطف جلیل را رایگان نمودی <sup>بمقتبل</sup>

استان مقدست موفق گردی چه استانی که ارواح ملا اعلیٰ پاسبان است

و قلوب اهل ملکوت ابی مقیم در اربع و ساجد و عاکف خاضع چون استان

ع ع

هوائیه

ای خداوند مهربان دوستان همان یاران تو اند و خادمان درگاه تو

ثابت بر میانند و ثابت در این گلستان شتعلند و منجذب متضرعند و مثل

مستقیمند و مستقیم بر عبودیت تو ای رب کریم خدا یا این جمع مبارک را اما

عزت ابدیه بر سر نه و این سخن انسانی را آیات رحمانی فرما و این بخش

نفسیه را ایس موهبت کبری کن این اشخاص محترمه را شهیر افغانی

توئی بخشند و دهند و مهربان عبد البها عباس

هو الله

الهی الهی اید الاحبا علی احدث و الولا مع کل الملل و الاقوام الاهی علی اشرقی  
 و اجعلهم آیات الهدی و رایات رحمتک بین الوری و مصابیح انوار فضل و انوار  
 و اشجار صدیقہ الوجود رب نور و جوہم بانوار التوجہ الیک و زین قلوبهم  
 بالتوکل علیک و ایدیم علی الركوع و السجود بین یدیک حتی ترتلوا آیات  
 التوحید فی محافل الهدی و یرتفع صیغهم بالتسلیل و التکبیر الی الملائکة الاعلی  
 انک انت مؤید من شان علی ماشاء انک انت القوی العزیز

## هو الابهی

ای رب ترانی مقصود الابهی کسور الجناح مقسرا الاحشاء مرتعد الاعضاء  
 در و علی سهام الجناح من ذوی البضار و وقعت تحت محالب العدو  
 و ابتلیت بانیاب ذاب کاسره من اهل الطغیان فوغزت اذق  
 حلی احرق دمی و نثار کیمی و اشتبک علی الالام و الاحزان و اصمعت  
 مشی کل العوی ففیت ذاتی و نفسی و جودی فی هذه النشأة الاولی  
 و کل لسانی و انقطع لظمی و جف قلمی و اخل جسمی و انحنی ظری و ضاقت صدی  
 و کدر صفا قلبی ادر کنی بفضلک یا ربی الابهی انقذنی من بین یدی  
 هتولا و ارفعنی الی جوار رحمتک فی المدا الاعلی لا استریح فی ظل سدة



رحمتک و ارجح فی قباب جمعت التی احاطت الاشیا، انک

انت الکریم الرحیم العفار ع ع

هو الله

ای یزدان بی انبار نیزاریم و نماز که این بندگان ابرار خویش و مسازنا  
 و از آوارها تف طلا علی استمع فرما بر صراط عهد و پیمانیت ثابت قدم کن  
 و بذر جمال مبارکت همدم ما از جام احدیت بنوشان و از شهد عنایت  
 بچنان و فضل عظیم جمال قدیمت فائز کن این بنده درگاهت را بسیارگاه  
 احدیت راه ده و این امیدوار رحمت را نومید مگردان و بر پیمان ایمان

محکم و استوار ما ع ع

## مواجیح القیوم

الهی تو بسینا و آگاهی که مجا و پناهی جز تو نبسته و تو حکم و نصیر از رحمت  
 ربی صموده و تو حکم در شبان تیره نو میدی دیده ام صبح امید  
 الطاف بی نهایت روشن و بار و در سحر گاهی این جان دل پر مرد  
 یاد حال و کمالت خرم و دمساز هر قطره که بعواطف حمایتت فوق  
 بحریت سکران و سر ذره که بر پر تو عنایت نمود اقامت در  
 و تابان پس ای پاک یزدان من این بنده پر شور و شیدا را در پناه خود  
 پناهی ده و بردوستی خویش در عالم هستی ثابت و مستقیم بدار و این مرغ  
 بی پروا بال را در آشیان حانی خود در شاخسار روحانی خویش مسکن و

# مأوانی عطا فرما

ع

چون فتوکپی خط اصل این مناجات مبارک که قبلا مکرر به چاپ رسیده بود اخیرا از معهد اعلی واصل گردیده است مجددا به درج آن اقدام شد .

# فهرست مطالب مناجات‌های

## مبارک

	صفحه
رب ورجائی	۱
ای متذکرذکر الهی	۲
ای مونس یاران	۲
ای خداوند آن نفوس پاک را	۴
عبدالبهائم هوارمهدرگاه احدیت	۵
اللهم یا ملجئ المذنبین	۶
ای خداوند مهربان این بنده	۸
ای یاران دست شکرانه بدرگاه	۹
ای ورقه طیبه دست تضرع	۱۰
ربنا اننا نتوجه الیک	۱۰
ای پروردگاریاران شهرآز	۱۴
ای خدا ی یگانه این بنده	۱۵
ای پروردگار مهربان	۱۶

# فهرست مطالب مناجاتهای

## مبارکه

	صفحه
ای خداوند این جمع مستمدر را	هوالله ۱۶
الهی الهی هولاء عباد	هوالله ۱۷
الهی الهی الف بین قلوب	هوالله ۱۸
ای یاران الهی دست تضرع	هوالا بهی ۱۹
رب رب اید عبادک الا صغیاء	هوالله ۲۰
ای پروردگارا اهل بهارا	هوالله ۲۰
ای پروردگارا این جمع یاران تواند	هوالله ۲۱
الهی الهی هذا عهدک الذی	هوالقیوم ۲۲
رب ورجائی انی اتوسل الیک	هوالله ۲۳
توجه بملکوت غیب ابهی کن	هوالله ۲۳
الهی الهی نحن عبادک	هوالله ۲۵
المجزاء	
اللهم یا من ماج بحور الطافه	هوالله ۲۶

# فهرست مطالع مناجاتهای

## مبارکه

	صفحه
سبحانك اللهم يا الهی ترانی	هوالله ۲۷
پس بشکرانه * این ده بخش و بخشش	هوالله ۲۹
رب رب نور و جوه احوالك المخلصین	هوالله ۳۰
ای پروردگاردردمدان رادمان کن	هوالله ۳۰
الهی و ملاذی و کشف صونی و عونی	هوالله ۳۲
ای یزدان مهربان سراپاکنهم	هوالله ۳۴
ای پروردگار مهربان این یاران خویش را	هوالا بهی ۳۵
یا من بکلّیته الی الله	هوالله ۳۶
ای پروردگار ای پناه آوارگان	هوالله ۳۷
ای پروردگار این بنده جان نثار را	هوالله ۳۸

# فهرست مطالع مناجاتهای

## مبارکه

	صفحه
اللهم یا هادی الضالین الی المنهج القویم	هوالله ۳۸
ای پروردگار هر چند عاجز و ناتوانم	هوالله ۴۱
ای یزدان مهربان یاران جان فشانند	هوالله ۴۱
رب ورجائی	هوالا بهی ۴۳
پس لسان ناطق بشکرانه الطاف	هوالا بهی ۴۴
رب اید هذا الجمع علی رضاك	هوالله ۴۴
ای یاران مهربان من عبد البهائم	هوالا بهی ۴۵
الهی الھی هو الاء عباد قرت اعینهم	هوالله ۴۶
ای دلبر آفاق شکر تورا	هوالله ۴۷
با چشمی اشکبار	هوالله ۴۹

# فهرست مطالع مناجاتهای

## مبارکه

	صفحه
سبحانك اللهم يا الهى لك الحمد ولك الشكر	هوالله ۵۰
ای بخشنده مهربان یاران را دل و جان	هوالله ۵۲
ای پروردگارا این نفوس دوستان تواند	هوالله ۵۳
تراس یا الهى قد استغرقت فى بحار الحيرة	هوالله ۵۴
ای ناظر بوجه توجه بملکوت ابهى	الله ابهى ۵۶
پروردگارا مهربانان این جمع صحبان	هوالله ۵۷
ای پروردگارا این یاران را بنواز	هوالله ۵۸
دست تضرع بملکوت ابهى بلند است	هوالا ابهى ۵۹



# فهرست مطالع مناجاتهای

## مبارکه

	صفحه
الهی الهی هولاء نفوس استظلوا	هوالا بهی ۶۰
ای یاران من در این دم	۶۰
ای پروردگاران مشتاقان آشفته	هوالله ۶۱
روی تواند	
اوست درخشنده و تابان - ای	۶۱
خداوند این بنده مستمند	
ای امة الله توجه بطکوت صدق	هوالا بهی ۶۲
ابهی نعم	
ای پروردگارتوئی آمرزگار	هوالا بهی ۶۳
بی و ملاذی و ملجئی و مهیبی	هوالله ۶۳
ای پروردگاران جمع را مظهر	هوالله ۶۵
عواطف	

# فهرست مطالع مناجاتهای

## مبارکه

	صفحه
ای مشتاق جمال ذوالجلال در شب و روز	هوالا بهی ۶۵
الهی الهی ای بکل تضرع و توجه	هوالله ۶۶
خدایا این طیر حدیقه عرفان را	هوالا بهی ۶۷
الهی الهی هوالا * نفوس خضعت اعناقهم	هوالا بهی ۶۸
ای پروردگارا این بنده در مانده را	هوالا بهی ۶۸
اللهم یا الهی و محبوبی هوالا * عبادک	هوالله ۶۹
ای آشفتهگان روی دلبر حقیقی	هوالله ۷۱
پس بشکرانه * الطاف جمال ابهی	هوالا بهی ۷۲

# فهرست مطالب معنای

## مبارک

	صفحه
ای پروردگارتائید بخش و توفیق	هوالله ۷۲
الهی الهی هذا عهد	هوالا بهی ۷۳
دست تضرع و ابتهاال بملکوت ذوالجلال	هوالله ۷۴
الهی و موثلی عند لهنی و ملجامی	هوالله ۷۴
ری و منتهی املی و غایة رجائی	هوالله ۷۶
الهی الهی هولاء عباد توجهاوا الی ملکوت	هوالله ۷۷
ای خدای مهربان این سوگل گلستان محبت را	هوالا بهی ۷۸
یا الهی و محبوبی و مقصودی و مطلوبی	هوالله ۷۹
همین توجیه بملکوت ابهی کن و توسل	هوالله ۸۰

فهرست مطالب مناجات‌های

مبارکه

	صفحه
بجبروت اعلی	
الهی الهی ترانی مهتلا الی سما	هوالله ۸۱
پروردگارا آمرزگارا چگونه زبان	هوالا بهی ۸۲
	الا بهی
ای پروردگار مرغان زاریم ولی در پناه تو	هوالا بهی ۸۳
اللهم یا الهی وری ومنائی ونوری وبهائی	هوالله ۸۴
ای پروردگارا ای کردگار ماگنه کاریم وتو آمرزگار	هوالله ۸۹
ای پروردگار عاشقان را از بلا ساغری لبریز	هوالله ۹۰

فهرست مطالع مناجاتهای

مبارکه

	صفحه
الحمد لله الذى تجلى بجماله	هوالله ٩١
الهي هذا مهتل تضرع السى ملكوت تقديسك	هوالله ٩٢
الهي الهي هولاء عبادك الاتقياء	هوالله ٩٢
خداوند اياك ومقدس وى نياز	هوالا بهى ٩٤
اللهم يا جاذب القلوب بمغناطيس المحبة	هوالله ٩٥
الهي الهي هذا عبدك المعجذب الى جمالك الا بهى	هوالله ٩٥
الهي الهي ترانى مستجيراً	هوالله ٩٧
رب ورجائى ومجهرى ومغيثى ومامنى	هوالله ٩٩

فهرست مطالب مناجات‌های  
مبارکه

	صفحه
رب ورجائی هذا عهدك الذی خضع	هو الایهی ۱۰۰
در ایندم که همدم یار نام و مشغول	هو الله ۱۰۱
ای دلبرمهربان این یاران	هو الله ۱۰۲
ای یار روحانی خداوند بی‌مانند شاهد	هو الله ۱۰۴
ای یار پنهان ای مقصود دوجهان	هو الله ۱۰۵
رب ورجائی لك الحمد	هو الله ۱۰۶
رب ورجائی لك الشکر	هو الله ۱۰۷
بی انی ایتهل الی ملکوت	هو الله ۱۰۷
ای طالب مقعد صدق	الله ایهی ۱۰۸
پس بشکرانه این الطاف	هو الله ۱۰۸

فهرست مطالب مناجات‌های  
مبارکه

	صفحه
ای خداوند مهربان دوستان همدان	هوالله ۱۰۹
الهی الهی ایدالا حبا علیسی الحب والولا	هوالله ۱۱۰
ای رب ترانی	هوالا بهی ۱۱۱
ای یزدان بی انبار	هوالله ۱۱۲